



کتاب ال‌ریستیا

یک اثر باستانی

از مجموعه کتابهای
سوداپیگرافا

مترجم: داود کاظمیان
کاری از سازمان رازگاه

پیش گفتار

رساله اریستتاس، یکی از قابل توجه‌ترین و باستانی‌ترین آثار به دست آمده در مجموعه سوداپیگرافا است. از دوران آدم و حوا راه درازی طی شده است، و از طوفان نوح فاصله زیادی داریم. این نوشته منظره‌ای از انعطاف پذیری نژاد بشر را نشان می‌دهد که با کشورهای قدرتمندی که در شکوه و عظمت زندگی می‌کنند، در هماهنگی کامل زندگی می‌کنند.

در این نوشتار، روایت یک شخص کتاب دوست بزرگ، بطلمیوس فیلادلفوس را خواهید خواند. او می‌خواهد «همه کتاب‌های جهان» را در کتابخانه‌اش در اسکندریه جمع آوری کند. سرانجام در اشتیاق خود برای به دست آوردن یک اثر بزرگ یعنی قوانین و احکام شریعت یهود، حاضر می‌شود ۱۰۰۰۰۰ اسیر را با آن کتاب معاوضه می‌کند. این احتمالاً بالاترین قیمتی است که تا کنون برای ترجمه و در اختیار داشتن یک کتاب پرداخت شده است. در این روایت ما با یک استدلال دور از ذهن روبرو می‌شویم که سبب پایان اسارت بزرگ یهودیان می‌شود.

جزئیات زندگی درباری، بحث در مورد مشکلات اجتماعی روز، بسیار جالب و واضح و قابل توجه است. دیدن پادشاه و مهمانانش در حال بازی پرسش و پاسخ در طول ضیافت، کشف عجیبی است.

ساختار این اثر جذاب و چشمگیر به شرح زیر است:

۱. تقدیم کتاب به فیلوکراتس.

۲. اقدام مقدماتی.

(الف) پیشنهاد کتابدار برای آزادی اسیران یهودی در ازای یک کتاب.

(ب) رهایی.

(ج) نامه فیلادلفوس به العازار.

(د) پاسخ نامه.

(ث) اسامی کمیته‌ای که برای ترجمه کتاب تعیین شده است.

۳. شرح هدایای سلطنتی.

الف) ساخت میز (احتمالاً عجیب‌ترین میزی که تا کنون ساخته شده است).

ب) هدایای دیگر.

۴. شرح اورشلیم.

الف) معبد (و سیستم آب رسانی).

ب) مراسم.

ج) دژ و ارگ.

د) شهر.

ه) حومه شهر.

۵. وداع العازار.

۶. توضیح العازار در مورد شریعت و حکمت عمیق آن.

۷. پذیرایی.

۸. ضیافت (۷۲ پرسش و پاسخ).

۹. ترجمه کتاب احکام شریعت.

رساله اریستتاس، یک اثر شبه تاریخی است که در اسکندریه، احتمالاً در اواسط قرن دوم پیش از میلاد، برای ترویج آرمان یهودیت به نگارش درآمد. اگرچه جامعه یهودی برای هویت و اعتبار خود، قبلاً جایگاه مشخصی را در جامعه اسکندریه آن دوران تثبیت کرده بود و یهودی ستیزی بطور جدی هنوز رواج پیدا نکرده بود، اما در کل جامعه یهودی، در تضاد با سایر جوامع قرار داشت. در حالی که برخی از یهودیان فرهنگ و فلسفه یونان را پذیرفتند، برخی دیگر از نزدیک شدن به فرهنگ هلنیستی خودداری کردند. هدف نویسنده این بود که یهودیت را با دیدی مطلوب به مشرکان معرفی کند و رعایت دقیق قوانین دینی را برای یهودیان هلنیستی جذاب کند.

نویسنده نام یک نویسنده قرن دوم قبل از میلاد را برگزید و ادعا کرد که شرحی معاصر از ترجمه پنج کتاب مقدس عبری، یعنی تورات، پنج کتاب اول کتاب مقدس عهد قدیم را به یونانی ارائه می‌دهد.

نویسنده خود را به عنوان یک بت پرست و ستایشگر یهودیت معرفی می‌کند که در دربار بطلمیوس دوم فیلادلفوس (۲۸۵-۲۴۶ قبل از میلاد) در اسکندریه مقام بالایی داشته است. نویسنده از الفاظ ادبی هلنیستی آن دوران و زبان فنی دربار اسکندریه استفاده کرده است، اما سبک یونانی او و چندین موارد تاریخی نادرست نشان می‌دهد که او بیشتر یک اندیشمند تاریخ شناس بوده است. نگرانی او برای رفاه بردگان یهودی، تصویری که او از یهودیان فلسطین ترسیم می‌کند، و تلاش‌های او برای توضیح نظرانی که در پشت احکام خوراک روزانه یهودیان وجود دارد، او را بیشتر به عنوان یک یهودی و نه یک بت پرست نشان می‌دهد.

محققان مدرن این اثر را «رساله» می‌نامند، زیرا اریستیا آن را به برادرش فیلوکراتس خطاب کرده است. این روایت از منابع بسیار متنوعی استناد می‌کند: گزارشی درباره یهودیان مصر از آرشیوهای رسمی، متون احکام حقوقی بطلمیوسی، یادداشت‌های اداری که در پرونده‌های سلطنتی یا در کتابخانه اسکندریه نگهداری می‌شوند، گزارش‌هایی از سفر به اورشلیم، رساله‌ای درباره آرمانهای سلطنت.

اما اولین نویسنده‌ای که مستقیماً از این رساله نقل قول کرد، مورخ یهودی ژوزفوس (قرن اول پس از میلاد) بود. چندین مسیحی دوران اولیه نیز از این کتاب استفاده کردند اما برخی از ویژگی‌های این رساله را نادیده گرفتند.

نامه اریستیا اثری ادبی است که به زبان یونانی نگارش شده و ریشه‌های افسانه‌های را روایت می‌کند. وقایع این روایت در زمان حیات ملکه معروف آرسینوی رخ داده است که در سال ۲۷۰ قبل از میلاد درگذشت. اما تاریخ دقیق نگارش این اثر نامشخص است. محققین تاریخ این اثر را بین قرن سوم قبل از میلاد تا اواخر قرن اول قبل از میلاد قرار می‌دهند، که اکثر آنها در حال حاضر در مورد قرن دوم قبل از میلاد توافق دارند. نامه اریستیا یکی از معدود آثار یهودی اولیه به زبان یونانی است که به طور کامل حفظ شده است.

راوی داستان، اریستیا، خود را به عنوان یک مقام عالی‌رتبه دربار یونانی بطلمیوس

دوم فیلادلفوس معرفی می‌کند که این نوشتار را به شخص یونانی دیگری به نام فیلوکراتس می‌نویسد، محققان مدرن موافقند که نویسنده در واقع یک یهودی اسکندریه بوده است. نامه اریستتاس قدیمی‌ترین نسخه از افسانه‌های را ارائه می‌دهد که بر اساس آن هفتاد و دو تن از بزرگان اورشلیم، احکام شریعت یهود را به یونانی ترجمه می‌کنند که به دعوت بطلمیوس فیلادلفوس به اسکندریه آمده بودند. در واقع نامه اریستتاس که توسط یک یهودی هلنیستی در اواسط قرن دوم پیش از میلاد نوشته شده است، داستانی افسانه‌های و مفصل درباره ترجمه تورات یا پنج کتاب موسی به یونانی است که دلایل آن و شرایط پیرامون آن را بخوبی شرح داده است. این متن شگفت‌انگیز است، چرا که در مورد جامعه یهودیان اسکندریه در اواسط قرن دوم پیش از میلاد چیزهای زیادی به ما می‌گوید.

۱ در زمان اسارت یهودیان در مصر، بطلمیوس فیلادلفوس خود را به عنوان اولین کتاب شناس بزرگ نشان می‌دهد. او می‌خواهد همه کتاب‌های دنیا را در کتابخانه خود داشته باشد. برای به دست آوردن کتاب احکام و شریعت موسی، او پیشنهاد داد ۱۰۰۰۰۰ اسیر را با آن کتاب مبادله کند و فریاد زد: «این واقعاً یک موهبت کوچک است!»

از آنجایی که من مطالبی را برای تاریخچه‌ای به یاد ماندنی از دیدار خود از العازار، کاهن اعظم یهودیان جمع آوری کرده‌ام، و از آنجا که شما فیلوکراتس، هیچ فرصتی را برای یادآوری به من از دست نمی‌دهید، پس از دریافت گزارشی از انگیزه‌ها و هدف از این سفر، مطالبی را جمع آوری کرده‌ام. در مورد ماموریتی که داشتم، من سعی کردم توضیح واضحی از این موضوع را به شما ارائه کنم، زیرا دریافتم که شما دارای علاقه و استعداد طبیعی برای یادگیری هستید، چیزی که می‌تواند بالاترین دارایی انسان باشد؛ شما دائماً در تلاش برای فراگیری دانش و فضیلت هستید تا معلومات جدیدی را به اطلاعات خود اضافه کنید. دانش و دستاوردهای شما چه از طریق مطالعه تاریخ و چه با مشارکت و حضور واقعی در خود رویدادها کسب شده است.

۲ بدین وسیله است که روح با در اختیار گرفتن اصیل‌ترین عناصر، به پاکی استوار می‌شود و هدف خود را بر تقوا، که عالی‌ترین هدف همه است، معین کرده است، او از این امر به عنوان راهنمایی لغزش ناپذیر استفاده می‌کند و به این ترتیب، به هدف خود یعنی پاکی دست پیدا می‌کند. ۳ این وقف و ارادت من جهت دست یافتن به دانش الهیات دینی بود که باعث شد تا سفیر مردی شوم که از او نام بردم، کسی که هم به خاطر فضیلت و هم به خاطر عظمتش در بین شهروندان خودش و دیگران بسیار ارج و احترام داشت. اسنادی در اختیار داشت که برای یهودیان در کشور خود و در سایر سرزمین‌های خارجی برای تفسیر شریعت الهی بسیار با ارزش بود، زیرا شریعت و احکام آنها بر روی ورقه‌هایی از پوست با حروف یهودی نوشته شده است. ۴ پس این منصب سفیری را با اشتیاق به عهده گرفتم، چون اول از همه فرصتی یافتم که از جانب پادشاه به نیابت از اسیران یهودی شفاعت کنم. اسیرانی که توسط پدر پادشاه از یهودیه به مصر منتقل شده بودند، هنگامی که برای اولین بار این شهر را به تصرف خود درآورد و سرزمین مصر را فتح کرد.

۵ شایسته است که این داستان را نیز برای شما بازگو کنم، زیرا متقاعد شده‌ام که شما

با گرایش به قدوسیت و همدردی با مردانی که مطابق شرع مقدس زندگی می‌کنند، بیش از پیش مایل به گوش دادن گزارشی خواهید بود که من قصد دارم بیان کنم، زیرا خود شما اخیراً از جزیره نزد ما آمده‌اید و مشتاق شنیدن همه چیزهایی هستید که باعث شادی و مسرت روح می‌شود. ۶ در یک مناسبت قبلی نیز، گزارشی از حقایقی که فکر می‌کردم در مورد نژاد یهود ارزش گفتن دارد را برای شما فرستادم، سوابقی که از داناترین کاهنان سرزمین مصر که از بهترین معلومات برخوردار هستند به دست آورده بودم. ۷ از آنجایی که شما بسیار مشتاق به دست آوردن دانش چیزهایی هستید که می‌تواند برای ذهن و فکر مفید باشد، من بر خود واجب می‌دانم که تمام اطلاعاتی را که در اختیار دارم به شما منتقل کنم.

۸ من باید همین وظیفه را نسبت به همه کسانی که که دارای اشتیاق و سیرت مشابهی هستند احساس کنم، اما این وظیفه را به ویژه نسبت به شما احساس می‌کنم، زیرا از سطح انتظار و همتی والا برخوردار هستید. و از آنجایی که شما نه تنها از نظر اخلاقی و شخصیتی، بلکه از نظر خونی نیز برادر من هستید، بلکه با من در یافتن امور نیک و خیر نیز یکی هستید. ۹ زیرا نه لذت حاصل از طلا و نه هیچ چیز دیگری از دارایی‌هایی که ذهن‌ها و تفکرات سطحی، آن را با ارزش می‌دانند، هرگز به آن درجه از سود و منفعتی نمی‌رسد که ما برای مطالعه و دنبال کردن امور فرهنگی هزینه می‌کنیم. ۱۰ اما برای اینکه با یک مقدمه خیلی طولانی شما را خسته نکنم، فوراً به اصل روایت خود خواهیم پرداخت.

۱۱ دیمیتریوس فالروم، رئیس کتابخانه پادشاه، مبلغ هنگفتی دریافت کرد تا تمام کتاب‌های موجود در جهان را تا جایی که ممکن بود جمع اوری کند. ۱۲ او با خرید و رونویسی از کتابها، هدف پادشاه را به بهترین شکل ممکن انجام داد. ۱۳ یک بار که من حضور داشتم از او پرسیدند: چند هزار کتاب در کتابخانه وجود دارد؟ و او پاسخ داد: «بیش از دویست هزار، ای پادشاه، و من در آینده نزدیک تلاش خواهم کرد تا بقیه را نیز جمع اوری کنم تا به مجموع پانصد هزار کتاب برسد.» به من می‌گویند که قوانین و احکام یهودیان ارزش رونویسی دارد و شایسته است که در کتابخانه شما جایی داشته باشید!

۱۴ «چه چیزی شما را از انجام این کار باز می‌دارد؟» پادشاه پاسخ داد: «هر چیزی که لازم است در اختیار شما قرار گرفته است!» ۱۵ دیمیتریوس پاسخ داد: «آنها نیاز به ترجمه دارند، زیرا در سرزمین یهودیان از الفبای عجیبی استفاده می‌کنند (همانطور که مصریان نیز شکل خاصی از حروف دارند) و به لهجه‌ای خاص صحبت می‌کنند. ۱۶ به

نظر می‌آید که آنها از زبان سریانی استفاده می‌کنند، اما اینطور نیست. زبان آنها کاملاً متفاوت است.» ۱۷ و پادشاه وقتی تمام حقایق مربوط به این قضیه را فهمید دستور داد نامه‌ای به کاهن اعظم یهود نوشته شود تا هدف او که قبلاً شرح داده شده است، محقق شود.

۱۸ با این تصور که زمان آن فرا رسیده است که درخواستی را که اغلب در برابر سوزیبیوس تارنتومی و آندریاس، رئیس محافظان، برای رهایی یهودیانی که توسط پدر پادشاه از یهودیه منتقل شده بودند مطرح کرده بودم، دوباره در مقابل پادشاه مطرح کنم؛ زیرا زمان مساعد فرا رسیده بود چنانچه که پادشاه با خوش اقبالی و با شجاعت تمام حمله خود را به کل منطقه کوئل سوریه و فنیقیه با پیروزی و موفقیت کامل به پایان رسانده بود، و آنها را که در کشور ایجاد وحشت کرده بودند به تحت انقیاد خود در آورده بود، برخی از دشمنان خود را به مکانهای دیگر منتقل کرده و برخی دیگر را نیز به اسارت درآورده بود. ۱۹ تعداد کسانی را که از سرزمین یهودیان به مصر منتقل شده بودند کمتر از صد هزار نفر نبودند. ۲۰ از این تعداد، سی هزار مرد برگزیده را مسلح کرد و در پادگان روستاها مستقر کرد. ۲۱ و حتی قبل از این زمان، تعداد زیادی از یهودیان با ایرانیان به مصر آمده بودند، و در دوره‌های قبل نیز عده‌ای دیگری به مصر فرستاده شده بودند تا پسامتیکوس را در لشکرکشی علیه پادشاه اتیوپی یاری کنند. اما اینها چیزی شبیه به این و به اندازه اسیرانی نبودند که بطلمیوس پسر لاگوس آنها را به مصر منتقل کرد تعداد آنها بسیار زیاد بود.

۲۲ همانطور که قبلاً گفتم بطلمیوس بهترین آنها را انتخاب کرد، مردانی که در اوج زندگی و جوانی بودند و به دلیل شجاعتشان ممتاز بودند، و آنها را مسلح کرد، اما توده عظیم الباقی اسیران، آنهایی که برای این هدف خیلی پیر یا خیلی جوان بودند، به انضمام زنان، همه آنها را به سطح بردگی تقلیل داد، نه اینکه بخواهد یا به میل خود این کار را انجام دهد، بلکه توسط سربازانش مجبور به این کار شد زیرا این بردگان را به عنوان پادشاه خدماتی که در جنگ انجام داده بودند، برای خودشان می‌خواستند. ۲۳ همانطور که قبلاً گفته شد، پس از به دست آوردن فرصتی برای تضمین رهایی آنها، با استدلال‌های زیر با پادشاه وارد گفتگو شدم. «بیاییم آنقدر بی عقل و منطق نباشیم که اجازه دهیم اعمالمان دروغ گفتارمان را نشان دهد. ۲۴ از آنجایی که احکامی که ما می‌خواهیم نه تنها آن را رونویسی کنیم، بلکه آن را نیز ترجمه کنیم، متعلق به کل نژاد یهود است، چه توجیهی برای حضور خود به عنوان سفیر در آنجا خواهیم یافت، در حالی که تعداد زیادی از آنها در پادشاهی شما در حال بردگی هستند؟ ۲۵ در کمال

و در ثروت رحمت و بخشایش خود، کسانی را که در چنین اسارت و بدبختی به سر می‌برند، رها کنید، زیرا همانطور که من در پی کشف آن بودم، خدایی که شریعت آنها را به ایشان عطا کرده، خدایی است که پادشاهی تو را حفظ می‌کند.

۲۶ آنها همان خدا را می‌پرستند؛ خداوند و خالق جهان را، مانند همه انسانهای دیگر، همانطور که خود ما، ای پادشاه، هر چند ما او را به نام‌های مختلف می‌خوانیم، مانند ژئوس، پادشاه خدایان؛ یا دیس، خدای جهان مردگان. ۲۷ این نام بسیار مناسب توسط نیاکان ما به او داده شد تا نشان دهد که او را که همه چیز از طریق او زندگی می‌کند و به وجود می‌آید، لزوماً چرخاننده و پروردگار جهان است. ۲۸ با رهایی کسانی که در اسارت هستند، برای همه بشریت نمونه‌ای از بزرگواری را نشان دهید.

۲۹ پس از یک فاصله کوتاه، من با جدیت به درگاه خداوند دعا کردم که آنقدر ذهن پادشاه را مستعد بسازد تا همه اسیران آزاد شوند؛ زیرا نوع بشر، آفرینش خداوند هستند و در تحت تأثیر و اختیار او قرار دارند. ۳۰ از این رو با دعاهای گوناگون از کسی که بر قلبها حکومت می‌کند خواستم تا پادشاه را چنان مجبور بسازد که با درخواست من موافقت کند. ۳۱ زیرا به نجات مردان امید زیادی داشتم زیرا مطمئن بودم که خدا دعای من را برآورده خواهد کرد. ۳۲ زیرا هنگامی که انسانها با انگیزه‌های پاک، اقدامی را به نفع درستی و انجام اعمال شریف برنامه ریزی می‌کنند، خداوند متعال تلاش‌ها و اهداف آنها را به یک سلسله برنامه‌های موفقیت آمیز تبدیل می‌کند؛ پادشاه سر خود را بلند کرد و با چهره‌ای شاد به من نگاه کرد. پرسید، «فکر می‌کنید چند هزار نفر باشند؟»

۳۳ آندریاس که در آن نزدیکی ایستاده بود، گفت: «اندکی بیش از صد هزار.» ۳۴ پادشاه گفت: «این واقعاً لطف کوچکی است که اریستیا از ما می‌خواهد!» ۳۵ سپس سوزیبیوس و برخی دیگر از حاضران گفتند: «بله، اما این برای شما نشانی از ادای احترام به بزرگواری خود شما خواهد بود که حق رای و آزادی این مردان را به عنوان یک عمل فداکارانه به خدای متعال هدیه و تقدیم می‌کنید.» ۳۶ شما توسط خدای قادر متعال بسیار مورد احترام قرار گرفته‌اید و در جلال بر همه اجداد خود برتری یافته‌اید و شایسته است که بدین خاطر، بزرگ‌ترین هدیه شکرگزاری را به خداوند تقدیم کنید. ۳۷ پادشاه که از این استدلالها بسیار خرسند بود دستور داد که به میزان پول بازخرد اسیران به دستمزد سربازان اضافه شود، به ازای هر برده بیست درهم به صاحبان آنها داده شود، دستور عمومی صادر شود. و دفاتر ثبت اسرا نیز باید این اطلاعات را پیوست کنند.

۳۸ خداوند بیشترین اشتیاق را در این امر نشان داد، زیرا این خداوند بود که هدف ما را به طور کامل به انجام رساند و او را مجبور کرد که نه تنها کسانی را که با لشکر پدرش به مصر آمده بودند، بلکه همه کسانی را که قبل از آن یا متعاقباً به پادشاهی آورده شده بودند نیز بازخرد و آزاد کند. ۳۹ به او اشاره شد که پول بازخرد اسیران از چهارصد قنطار نیز بیشتر خواهد بود. ۴۰ من فکر می‌کنم درج نسخه‌ای از این فرمان مفید خواهد بود، زیرا به این ترتیب بزرگواری پادشاه، که از جانب خداوند برای نجات چنین جمعیت گسترده‌ای قدرت یافته بود، واضح‌تر و آشکارتر می‌شود.

۴۱ فرمان پادشاه چنین بود: «مورد توجه همه کسانی که در لشکر پدر ما در لشکرکشی به سوریه و فنیقیه و حمله به کشور یهودیان خدمت کردند و اسیران یهودی را تصرف کردند و آنها را به شهر اسکندریه و سرزمین مصر آوردند یا آنها را به دیگران فروختند. و به همین ترتیب هر اسیری که قبل از آن زمان در سرزمین ما بود یا بعداً به اینجا آورده شد؛ از اینرو همه کسانی که چنین اسیرانی دارند باید فوراً آنها را آزاد کنند. و به ازای هر نفر بیست درهم به عنوان دیه دریافت خواهند کرد. ۴۲ سربازان این پول را به عنوان هدیه‌ای که به دستمزدشان اضافه می‌شود دریافت کرده و الباقی نیز از خزانه پادشاه دریافت می‌کنند. ۴۳ ما فکر می‌کنیم که این بر خلاف میل پدرمان و بر خلاف مصلحت بود که آنها باید اسیر می‌شدند و ویرانی سرزمین آنها و انتقال یهودیان به مصر یک عمل غیر منطقی و یک بی‌مبالاتی نظامی بود. ۴۴ غنایمی که در میدان نبرد به دست سربازان افتاد، تمام غنایمی بود که می‌بایست به دست می‌آوردند. ۴۵ علاوه بر این، تنزل دادن مردم به بردگی عملی ناعادلانه و کاملاً ظلم مطلق بود.

۴۶ از این رو، از آنجایی که پذیرفته شده است که ما عادت داریم برای همه مردم و به ویژه کسانی که به شکل ناعادلانه در شرایط بندگی قرار می‌گیرند، به عدالت عمل کنیم، و از آنجایی که می‌کوشیم با همه مردم مطابق با عدالت و تقوا رفتار کنیم. در رابطه با افراد یهودی که در هر قسمت از قلمرو ما و در تحت هر شرایطی در اسارت هستند، مقرر کرده‌ام تا کسانی که آنها را در اختیار دارند، مبلغ مقرر را دریافت کرده و آنها را آزاد نمایند و هیچ کس نباید در این امر و در انجام تعهداتش تأخیر نشان دهد. ۴۷ ظرف سه روز پس از انتشار این فرمان، آنها باید فهرستی از بردگان را برای افسرانی که برای اجرای فرمان و دستورات ما تعیین شده‌اند تهیه کرده و بلافاصله اسیران را معرفی کنند. ۴۸ زیرا ما فکر می‌کنیم که برای ما و امور ما سودمند است که این امر هر چه زودتر به نتیجه برسد.

۴۹ هر کس دوست دارد می‌تواند در مورد هر کسی که از این حکم سرپیچی می‌کند

اطلاع رسانی کند، مشروط بر اینکه چنانچه گناه آن مرد ثابت شود برده او شده و اموال او به خزانه سلطنتی تسلیم خواهد شد. ۵۰ هنگامی که فرمان برای خواندن در حضور پادشاه و برای تأیید او آورده شد، شامل تمام مقررات لازم بود به جز عبارت «هر اسیری که قبل از آن زمان در سرزمین مصر بود یا بعد از آن به اینجا آورده شد.» پادشاه در بزرگواری خود، این بند را نیز درج کرد و دستور داد که کمک مالی مورد نیاز برای بازخرید به طور کامل از طرف مامورین پرداخت نیروهای نظامی و بانکداران سلطنتی واریز شود و بدین ترتیب این موضوع تصمیم گرفته شد و این فرمان ظرف مدت هفت روز به تصویب رسید.

۵۱ کمک مالی برای بازخرید اسیران بیش از ششصد و شصت قنطار بود. زیرا بسیاری از نوزادان که از سینه مادر خود شیر می‌خوردند همراه با مادران خود رها شدند. ۵۲ هنگامی که این سؤال مطرح شد که آیا برای این افراد هم باید مبلغ بیست قنطار پرداخت شود، پادشاه دستور داد که این کار انجام شود و بدین ترتیب تصمیم خود را به جامع‌ترین شکل انجام داد.

۲

۱ هنگامی که این کار انجام شد، او به دیمتریوس دستور داد تا لوح یادبودی در رابطه با رونویسی و ترجمه کتب یهود تنظیم کند. ۲ زیرا همه امور مملکتی باید به وسیله احکام و با سخت‌ترین دقت توسط پادشاهان مصر انجام می‌شد و هیچ کاری با بی مبالاتی و یا تصادفی انجام نمی‌شد. ۳ و به این ترتیب من نسخه‌هایی از لوح یادبود و نامه‌ها، تعداد هدایای ارسالی و ماهیت هر کدام را درج کردم، زیرا هر یک از آنها در شکوه و مهارت فنی در حد عالی بودند. ۴ در زیر یک کپی از لوح یادبود درج شده است. لوح یادبود نوشته شده توسط دیمتریوس به پادشاه کبیر. از آنجا که پادشاه به من دستور داده است که کتابهایی را که برای تکمیل کتابخانه سلطنتی لازم است جمع آوری کنند و آنهایی را که معیوب هستند تعمیر شوند، من با نهایت دقت و اهتمام خود را وقف برآورده نمودن خواست شما کردم. و من اکنون پیشنهاد زیر را دارم که در اختیار شما قرار می‌دهم.

۵ کتب شریعت یهودیان با برخی دیگر از کتابها در کتابخانه وجود ندارند. ۶ آنها به حروف و زبان عبری نوشته شده‌اند و با بی دقتی تفسیر شده‌اند، و متن اصلی را آن طور که باید باشد، نشان نمی‌دهند. زیرا هرگز پادشاهی وجود نداشته است که به

این موضوع اهمیت بدهد و از آنها محافظت کند. ۷ لازم است که تمامی اینها برای کتابخانه شما به دقت مورد بررسی قرار بگیرند، زیرا احکام شریعتی که در آنها وجود دارد، از آنجایی که منشأ الهی دارد، سرشار از حکمت و عاری از هرگونه عیب است. ۸ به همین دلیل ادبا و شاعران و انبوه نویسندگان تاریخی و همچنین مردانی که مطابق با آنها زیسته و زندگی می‌کنند از مراجعه به این کتابها خودداری کرده‌اند، زیرا تصور آنها از زندگی بسیار مقدس و بر اساس معیارهای مذهبی است، همانطور که هکاتئوس آبدرا می‌گوید.

۹ ای پادشاه، اگر تو را پسند آید، نامه‌ای به کاهن اعظم در اورشلیم نوشته شود و از او بخواهند که از هر قبیله شش نفر از بزرگان آنها را بفرستد؛ مردانی که نجیب‌ترین زندگی را داشته‌اند و در امور شریعت از مهارت بیشتری برخوردار هستند. از اینرو این امکان فراهم می‌شود تا به نکاتی پی ببریم که اکثریت آنها با هم موافق هستند و بنابراین می‌توانیم به یک ترجمه دقیق دست پیدا کنیم و آن را در مکانی آشکار به نحوی قرار دهیم که هم شایسته خود کار و هم شایسته هدف شما باشد. ۱۰ باشد که پیوسته کامیاب باشید! ۱۱ هنگامی که این لوح یادبود ارائه شد، پادشاه دستور داد نامه‌ای در این مورد به العازار بنویسند و همچنین شرح آزادی اسیران یهودی را بیان کنند. ۱۲ پادشاه پنجاه قنطار طلا و هفتاد قنطار نقره و مقدار زیادی سنگ‌های قیمتی داد تا کاسه‌ها و بطری‌های کوچک شیشه‌ای و میز و جامه‌هایی برای تقدیم نوشیدنی به خدایان بسازند.

۱۳ او همچنین به کسانی که نگهبانی خزانه او را در دست داشتند دستور داد که به صنعت کاران هنرمند اجازه دهند تا هر گونه موادی را که ممکن است برای این منظور نیاز داشته باشند انتخاب کنند، و صد قنطار پول نیز برای خرید قربانی و نیازهای دیگر به جهت معبد اختصاص یافت و به آنجا ارسال شود. ۱۴ پس از اینکه نسخه‌هایی از این نامه‌ها را برای نشان دادن به شما آماده کردم، آنگاه شرح کامل کارها را نیز به شما خواهم داد. نامه پادشاه چنین بود:

۱۵ بطلمیوس پادشاه به العازار، کاهن اعظم، سلام و درود می‌فرستد. ۱۶ از آنجایی که در قلمرو ما یهودیان زیادی ساکن هستند که توسط ایرانیان در زمانی که دارای قدرت بودند از اورشلیم به بردگی برده شدند و بسیاری دیگر نیز با پدرم به عنوان اسیر به مصر آمدند؛ تعداد زیادی از آنها وارد سپاه شدند و حتی دستمزدی که به آنها پرداخت می‌شد بالاتر از حد معمول بود؛ و هنگامی که وفاداری رهبران آنها به ما ثابت شد، دژهایی ساخت و حفاظت از این دژها را به عهده آنها گذاشت تا مصریان بومی توسط

آنها مرعوب شده و در تحت سلطه ما باشند. ۱۷ و من وقتی بر تاج و تخت نشستم، رفتاری دوستانه نسبت به همه رعایای خود، و به ویژه با کسانی که از شهروندان شما بودند، اتخاذ کردم؛ بیش از صد هزار اسیر را آزاد کرده‌ام و به صاحبان آنها بهای رایج و مناسب را پرداختم. و اگر توسط افراد شرور و متعصب بر قوم تو بدی شده باشد، آنها را جبران کرده‌ام.

۱۸ انگیزه‌ای که من را برانگیخت، میل به عمل پارسا گونه و تقدیم شکرگزاری به خدای متعال بود که پادشاهی مرا در صلح و جلال تمام در سراسر جهان حفظ نمود. ۱۹ به علاوه، افرادی از قوم شما را که در اوج زندگی و جوانی بودند، به لشکر خود فرا خوانده‌ام، و آنها را که شایسته دل بستگی به شخص من و شایسته اعتماد دربار بودند، در مناصب رسمی قرار دادم. ۲۰ اکنون چون مشتاقم سپاسگزاری خود را از این مردان و یهودیان در سراسر جهان و نسلهای آینده نشان دهم، تصمیم گرفتم که شریعت شما از زبان عبری که در بین شما رایج است به یونانی ترجمه شود. تا این امکان فراهم شود که این کتابها نیز به سایر کتابهای سلطنتی در کتابخانه من اضافه شوند. ۲۱ اگر از هر یک از قبیله‌های خود، شش تن از بزرگان را انتخاب کنید که در زندگی خود نمونه و کاملاً آشنا به احکام شریعت خود باشند چنانچه بتوانند آنها را به درستی تفسیر نمایند، این امر محبت شما را رسانده و همچنین پاداشی برای غیرت من جهت انجام آن خواهد بود، تا در مواردی که اختلافاتی وجود دارد، قادر به کشف حکمی شویم که اکثریت در آن موافق هستند، زیرا در این موردف تحقیق از بالاترین اهمیت ممکن برخوردار است.

۲۲ امیدوارم با انجام این کار مهم، بتوانم شهرت زیادی کسب کنم. ۲۳ من آندریاس، رئیس محافظ خود و اریستیا را، که از مردانی هستند که برای ایشان احترام زیادی قائل هستم به نزد شما فرستادم تا این موضوع را به حضور شما بیاورند و صد قنطار نقره، که اولین بخش از هدایای من برای معبد جهت قربانی و دیگر مراسم مذهبی است را به شما تقدیم کنند. ۲۴ اگر در مورد نظرات و درخواستهای خود در این زمینه‌ها برای من بنویسید، لطف بزرگی به من عطا خواهید کرد و عهد دوستی جدیدی را با من آغاز خواهید نمود، زیرا همه درخواستهای شما در سریع‌ترین زمان ممکن برآورده خواهد شد. بدرود!

۲۵ العازار به این نامه چنین پاسخ مناسبی داد: «العازار کاهن اعظم به پادشاه بطلمیوس دوست واقعی خود درود می‌فرستد. ۲۶ آرزوی من برای رفاه شما و ملکه آرسینو، خواهر شما و فرزندان شماست. ۲۷ من نیز خوب و سلامت هستم. نامه شما

را دریافت کردم و از هدف و توصیه شما بسیار خرسند شدم. ۲۸ تمام قوم را احضار کردم و نامه شما را برای ایشان خواندم تا از ارادت شما به خدای ما آگاه شوند. ۲۹ و جامه‌هایی را که فرستادید به آنها نشان دادم، بیست طلا و سی نقره، پنج کاسه و میز وقف، و صد قنطار نقره برای تقدیم قربانیه‌ها و تهیه چیزهایی که معبد در حال حاضر به آنها نیاز دارد. ۳۰ این هدایا را آندریاس، یکی از ارجمندترین بندگان تو، و اریستیا، برای من آوردند. مردانی نیکو و راستگو، که به علم و دانش خود از دیگران متمایز هستند و از هر جهت شایسته نمایندگان اصول عالی و مقاصد نیکو و پرهیزکارانه شما می‌باشند.

۳۱ این مردان پیام شما را به من رساندند و از من پاسخی مطابق با نامه شما دریافت کردند. من با هر چیزی که بر اساس درخواست شما، مفید و مناسب باشد موافقت خواهم کرد، حتی اگر درخواست شما بسیار غیر عادی باشد. ۳۲ زیرا به جهت مختلف به شهروندان ما فواید بسیار عطا فرموده‌اید که هرگز فراموش نمی‌شوند. ۳۳ بنابراین فوراً از طرف شما، خواهر، فرزندان، و دوستان شما به خداوند قربانی تقدیم کردم، و همه مردم دعا کردند که برنامه‌های شما دائماً رونق یابد، و خدای قادر متعال پادشاهی شما را در صلح با عزت حفظ کند، و ترجمه شریعت مقدس که می‌تواند برای شما سودمند باشد، با موفقیت به انجام برسد. ۳۴ در حضور تمامی قوم، از هر قبیله شش تن از بزرگان، مردان نیکو و راستگو را انتخاب کردم و آنها را با یک نسخه از کتاب شریعت خود نزد شما فرستادم.

۳۵ ای پادشاه عادل، این محبت شما را می‌رساند که دستور دهید به محض اتمام ترجمه شریعت، این مردان دوباره در سلامت به نزد ما بازگردانده شوند. بدرد! ۳۶ اسامی بزرگان به شرح زیر است: از قبیله اول، یوسف، حزقیاء، زکریا، یوحنا، حزقیاء، الیشع. ۳۷ از قبیله دوم، یهودا، شمعون، سموئیل، آدائوس، متاتیا، اشلمیاس. ۳۸ از قبیله سوم، نهمیا، یوسف، تئودوسیوس، بیساس، اورنیاس، داکیس. ۳۹ از قبیله چهارم، یوناتان، ابرائوس، الیشع، حانیا، چابریاس. . . . ۴۰ از قبیله پنجم، اسحاق، یعقوب، عیسی، سبتائوس، شمعون، لاوی. ۴۱ از قبیله ششم، یهودا، یوسف، شمعون، زکریا، سموئیل، سلماس. ۴۲ از قبیله هفتم، ساباطائوس، صدقیاء، یعقوب، اسحاق، بیسیاس، نطائوس. ۴۳ از قبیله هشتم، تئودوسیوس، یاسون، عیسی، تئودوت، جان، جاناتان. ۴۴ از قبیله نهم، تئوفیلوس، ابراهیم، آرساموس، یاسون، اندمیاس، دانیال. ۴۵ از قبیله دهم، ارمیا، العازار، زکریا، بانیا، الیشع، داتائوس. ۴۶ از قبیله یازدهم، سموئیل، یوسف، یهودا، یوناتس، چابو، دوسیته. ۴۷ از قبیله دوازدهم، اسائوس،

یوحنا، تئودوسیوس، آرساموس، ابیتس، حزقیال. ۴۸ در مجموع هفتاد و دو نفر به نزد پادشاه فرستاده شدند. و این چنین بود پاسخی که العازار و دوستانش به نامه پادشاه دادند.



۱ اکنون به قولم عمل خواهم کرد و به ارائه توضیحاتی در مورد آثار هنری ادامه خواهم داد. ۲ آنها با مهارتی استثنایی کار می‌کردند، زیرا پادشاه از هیچ هزینه‌ای دریغ نمی‌کرد و شخصاً بر کارگران سرپرستی کرده و نظارت داشت. ۳ بنابراین آنها نمی‌توانستند هیچ بخشی از کار را نادیده بگیرند یا آن را با سهل‌انگاری به پایان برسانند. ۴ اول از همه من شرح حال میز را برای شما توضیح می‌دهم.

۵ پادشاه نگران بود که این قطعه از کار ابعاد فوق‌العاده بزرگی داشته باشد، و این امر باعث شد تا از یهودیان محل در مورد اندازه میز که قبلاً در معبد اورشلیم بود، تحقیق کنند. ۶ و هنگامی که آنها اندازه‌گیری‌ها را توصیف کردند، او از آنها سوال کرد که آیا ممکن است میز را با ساختار بزرگتری بسازد. ۷ و برخی از کاهنان و یهودیان دیگر پاسخ دادند که چیزی مانع این کار نیست. ۸ و او گفت که مشتاق است آن را پنج برابر اندازه بسازد، اما تردید داشت که مبادا برای خدمات معبد بی‌فایده باشد. ۹ او مایل بود که هدیه اش صرفاً در معبد مستقر نشود، زیرا اگر مردانی که وظیفه‌ی تقدیم قربانی‌های مناسب را داشتند، بتوانند این کار را به درستی بر روی میزی که او ساخته بود انجام دهند، خوشنودی بسیار بیشتری برای او به همراه داشت. ۱۰ او تصور نمی‌کرد که میز قبلی به دلیل کمبود طلا به اندازه کوچک ساخته شده باشد، اما به نظر می‌رسد دلیلی وجود داشته است که چرا به این ابعاد ساخته شده است.

۱۱ زیرا اگر دستور ابعاد بزرگتری داده می‌شد، هیچ وسیله‌ای کم نبود. ۱۲ بنابراین ما نباید از این ابعاد تجاوز کنیم یا از حد مناسب فراتر برویم. ۱۳ در همان زمان او به آنها دستور داد تا تمام اشکال مختلف هنر را به خدمت بگیرند، زیرا او مردی با تصویری فوق‌العاده بود و طبیعت به او تخیلی قوی عطا کرده بود که او را قادر می‌ساخت ظاهر و نمایی را که توسط او ارائه می‌شد به تصویر بکشد و کار را به همان شکل به اتمام برساند. ۱۴ او همچنین دستور داد که در جایی که هیچ دستورالعملی در کتاب مقدس یهودی وجود ندارد، همه چیز باید تا حد امکان از زیبایی برخوردار باشد. ۱۵ هنگامی

که چنین دستوراتی وضع شد، باید به طور کامل اجرا می‌شد. ۱۶ میز دو ذراع طول، یک ذراع عرض، و یک ذراع و نیم ارتفاع داشت و آن را از طلای خالص و ناب ساختند. ۱۷ چیزی که من توضیح می‌دهم طلای نازکی نبود که روی چیز دیگری مانند روکش گذاشته شده باشد، بلکه کل ساختار از حجم بزرگی از طلا بود که به هم جوش داده شده بودند.

۱۸ و حاشیه‌ای به ارتفاع یک دست دور آن درست کردند. ۱۹ و تاج گلی به صورت موج کاری وجود داشت که به شکل طناب‌هایی به شکل برجسته در سه طرف آن حک شده بود. ۲۰ زیرا میز مثلثی شکل بود و طرز ساخت هر یک از اضلاع دقیقاً یکسان بود، به طوری که از هر طرف که می‌چرخید، ظاهری مشابه داشت. ۲۱ از دو ضلع زیر لبه، یکی که به سمت میز پایین می‌آمد، کار بسیار زیبایی بود، اما این ضلع بیرونی بود که نگاه تماشاگر را به خود جلب می‌کرد. ۲۲ اکنون لبه بالایی دو طرف، که برافراشته بود، تیز بود، زیرا همانطور که گفتیم لبه سه طرف داشت، از هر نظر و دیدی که به آن نزدیک می‌شدند. ۲۳ و بر روی آن لایه‌هایی از سنگ‌های قیمتی در میان بند ناف بطور برجسته قرار داشت و با وسیله‌ای هنری و بی نظیر به یکدیگر در هم تنیده شده بودند. ۲۴ به خاطر امنیت، همه آنها را با سوزن‌های طلایی که در سوراخ‌هایی در سنگ‌های قیمتی فرو می‌کردند، ثابت شده بودند. ۲۵ از طرفین آنها را با چفت و بست به هم چسبانده بودند تا محکم نگه داشته شوند.

۲۶ در قسمتی از حاشیه دور میز که به سمت بالا متمایل می‌شد و کاملاً قابل رویت بود، نقشی از تخم مرغ با سنگ‌های قیمتی ساخته شده بود که با یک تکه نقش برجسته راه راه به طور دقیق حکاکی شده بود، که به طور دقیق در دور کل میز به هم وصل شده بود. ۲۷ و زیر سنگهایی که برای نشان دادن تخم مرغها چیده شده بودند، هنرمندان تاجی ساخته بودند که حاوی انواع میوه‌ها بود و در بالای آن خوشه‌های انگور و خوشه گندم، خرما و سیب، و انار و مانند آن به طور آشکار چیده شده بود. ۲۸ این میوه‌ها از سنگ‌های قیمتی به رنگ خود میوه‌ها ساخته می‌شدند و آنها را با نواری از طلا به دور تمامی اطراف میز چسبانده بودند. ۲۹ و پس از گذاشتن تاج میوه، در زیر آن نقش دیگری از تخم مرغ با سنگ‌های قیمتی، و دیگر کارهای خط دار و برجسته قرار داده شده بود، تا مطابق میل استفاده کنندگان از هر دو طرف میز قابل استفاده باشد. به همین دلیل موج کاری تا حد پایین میز کشیده شد. ۳۰ و در زیر تمام عرض میز، صفحه عظیمی به ضخامت چهار انگشت بستند تا پایه‌ها در آن فرو رود، و آنرا با سنجاق‌هایی که به حفره‌های زیر لبه متصل می‌شد، محکم بستند. تا ترجیحاً افراد

بتوانند به راحتی از هر دو طرف میز استفاده کنند. ۳۱ بنابراین آشکارا مشخص شد که این اثر هنری به هر طریقی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳۲ بر روی خود میز یک «طرح پر پیچ و خم» حکاکی کردند که در وسط آن سنگهای قیمتی و برجسته قرار داده شده بود، یاقوت و زمرد و عقیق و بسیاری از انواع سنگهای دیگر که از نظر زیبایی کاملا نمونه هستند. ۳۳ و در کنار «طرح مارپیچ» یک شبکه شگفت انگیز قرار داده بودند که مرکز میز را به شکل لوزی در می‌آورد و روی آن با بلور و کهربا کار شده بود که تأثیری شگرف و غیر قابل مقایسه بر بینندگان می‌گذاشت. ۳۴ پایه‌های میز را با به شکل گلهای نیلوفر تراشیده بودند، به طوری که به نظر می‌رسید گلهای نیلوفر به طرف زیر میز خمیده شده‌اند، و قسمت‌هایی که نمایان بود برگ‌هایی را نشان می‌داد که به صورت عمودی قرار گرفته بودند. ۳۵ اساس پایه که بر روی زمین قرار داشت از یاقوت بود و به اندازه وسعت یک دست را پوشش می‌داد. ۳۶ ظاهری مانند یک کفش داشت که عرض آن در حدود هشت انگشت بود. ۳۷ تمام وسعت پایه بر آن استوار بود. ۳۸ و جلو پایه میز، مانند پیچکی بود که از سنگ روییده شده باشد که با نوعی گیاه کنگر در هم آمیخته و با درخت انگور احاطه شده بود که آن را با خوشه‌های انگور که با سنگ کار شده بود تا بالای پایه امتداد داده بودند. ۳۹ هر چهار پایه به یک سبک ساخته شده بود، و همه چیز به قدری ماهرانه ساخته و نصب شده بود، و چنان مهارت و دانش قابل توجهی برای هماهنگ ساختن آن با طبیعت به کار رفته بود، به طوری که وقتی هوا با کوچکترین حرکتی تکان می‌خورد گویا باد به برگها منتقل شده و طرحهای میز به حرکت در می‌آمد. و همه چیز طوری طراحی شده بود که هنگام باز نمایی، کاملا با واقعیت موجود مطابقت داشته باشد.

۴۰ و بالای میز را از سه قسمت سه لایه ساختند و در تمام وسعت کار به قدری فاصله‌ها را بطور منظم با میخ به هم وصل کرده بودند که محل اتصال درزها نه تنها دیده نمی‌شد بلکه حتی قابل کشف شدن هم نبود. ۴۱ ضخامت میز کمتر از نیم ذراع نبود، به طوری که باید برای هزینه کل کار از قنطارهای زیادی استفاده شده باشد. ۴۲ زیرا از آنجایی که پادشاه نمی‌خواست اندازه آن را بزرگتر کند، همان مبلغ پولی را صرف جزئیات کرد که اگر میز ابعاد بزرگتری داشت، می‌توانست به همان مبلغ پول نیاز داشته باشد. ۴۳ و همه چیز مطابق نقشه او، به شگفت انگیزترین و چشمگیرترین شکل، با هنر و زیبایی بی نظیر تکمیل شد. ۴۴ از کاسه‌های مخلوط کننده، دو کاسه با طلا کار شده و از پایه تا وسط، طرح برجسته‌ای به نقش فلس ماهی حکاکی گردید و در بین فلس‌ها سنگ‌های قیمتی با مهارت هنری بسیار کار گذاشته شد. ۴۵ سپس

یک «مارپیچ» به ارتفاع یک ذراع از سطح آن وجود داشت. ساخته شده از سنگ‌های قیمتی با رنگ‌های مختلف که اوج تلاش هنری و زیبایی را به نمایش می‌گذاشت. ۴۶ روی آن موزاییکی بود که به شکل لوزی کار شده بود و ظاهری توری مانند داشت و تا لبه‌ها امتداد یافته بود. ۴۷ در وسط، سپرهای کوچکی که از سنگهای قیمتی مختلف ساخته شده بودند، به طور متناوب و از نظر جنس متفاوت که عرض آن کمتر از چهار انگشت نبود، زیبایی ظاهر آنها را بطور چشمگیری افزایش می‌داد.

۴۸ بالای لبه آن با شکوفه‌هایی از نیلوفر زینت داده شده بود و خوشه‌های انگور در هم تنیده بر دور تا دور آن نقش بسته بود. ۴۹ پس بنای کاسه‌های طلایی بر این اساس قرار گرفته بود و هر کدام بیش از دو بشکه گنجایش داشتند. ۵۰ کاسه‌های نقره‌ای سطحی صاف داشتند و به طرز شگفت‌انگیزی ساخته شده بودند و چنان صیقلی در نظر گرفته شده بودند، که هر چیزی که به آنها نزدیک می‌شد حتی واضح‌تر از آینه منعکس می‌شد. ۵۱ اما غیر ممکن است که بتوان تأثیر واقعی را که این آثار هنری پس از اتمام در ذهن ایجاد می‌کردند، توصیف کرد. ۵۲ زیرا هنگامی که این ظروف تکمیل شد و در کنار هم قرار گرفتند، ابتدا یک کاسه نقره و سپس یک کاسه طلایی، سپس نقره‌ای دیگر، و سپس طلایی دیگر، چنان نمایی ایجاد می‌کردند که کاملاً غیر قابل توصیف است، و کسانی که برای دیدن آنها آمده بودند، نمی‌توانستند چشم خود را از منظره درخشان و مهیجی که ایجاد کرده بودند جدا کنند.

۵۳ تأثیرات حاصل از این صحنه تماشایی و خیره کننده در نوع خود متفاوت بود. ۵۴ هنگامی که مردم به ظروف طلایی نگاه کردند، و ذهن آنها توانست جزئیات کاملی از این کار هنری را مورد بررسی قرار دهد، روح آنها از شگفتی به وجد آمد. ۵۵ دوباره وقتی شخصی می‌خواست نگاهش را به ظروف نقره‌ای معطوف کند، همانطور که آنها در مقابل او خود نمایی می‌کردند، به نظر می‌رسید که همه چیز با نور در اطراف مکانی که او ایستاده بود می‌درخشید و لذت بیشتری را برای تماشاگران به ارمغان آورد. ۵۶ به طوری که واقعا نمی‌توان زیبایی هنری این آثار را توصیف کرد. ۵۷ و یال‌های طلایی را در مرکز با تاج‌های تاک حکاکی کردند. ۵۸ و در مورد لبه‌ها، تاج گلی از پیچک و گل شیپوری و زیتون در نقش بطور برجسته بافتند و سنگهای قیمتی در آن کار گذاشتند. ۵۹ سایر بخش‌های نقش برجسته را با الگوهای مختلف انجام می‌دادند، زیرا همه چیز را به گونه‌ای تکمیل می‌کردند که شایستگی عظمت پادشاه را داشته باشد. ۶۰ در یک کلام می‌توان گفت که نه در خزانه پادشاه و نه در هیچ مکان دیگری، آثاری وجود نداشت که از نظر قیمت یا مهارت هنری با اینها برابری کند.

۶۱ زیرا پادشاه در مورد انجام این امور هیچ تردیدی به خود راه نداد، زیرا او دوست داشت به خاطر کار عالی و والایی که انجام می‌دهد برای خود کسب جلال و احترام کند. ۶۲ زیرا اغلب اوقات او از کار و امور رسمی خود غافل می‌شد و وقت خود را با هنرمندان می‌گذراند در این نگرانی که آنها همه چیز را به گونه‌ای تکمیل کنند که شایسته محل ارسال هدایا باشد. ۶۳ پس همه چیز در مقیاس بزرگ انجام شد، به نحوی که شایسته پادشاهی بود که هدایا را می‌فرستاد و کاهن اعظم که حاکم آن سرزمین بود. ۶۴ در استفاده از سنگهای قیمتی هیچ مضایقه‌ای نشده بود، زیرا بیش از پنج هزار سنگ قیمتی استفاده شده بود و همه آنها از اندازه نسبتاً بزرگ برخوردار بودند. ۶۵ استثنای‌ترین مهارتهای هنری به کار گرفته شد، به طوری که هزینه سنگ‌ها و ساخت آنها، پنج برابر قیمت طلاهای بکار رفته شده بود.

۴

۱ من این شرح هدایا را به شما داده‌ام زیرا فکر کردم لازم است. ۲ نکته بعدی در روایت، شرح سفر ما به نزد العازار است، اما من قبل از هر چیز شرحی از کل این سرزمین را برای شما ارائه می‌کنم. ۳ وقتی به سرزمین یهودیان رسیدیم، شهر را دیدیم که در وسط تمام یهودیه بر بالای کوهی با ارتفاع زیاد قرار داشت. ۴ معبدی با شکوه تمام بر فراز قله ساخته شده بود. ۵ دور تا دور آن را با سه دیوار به ارتفاع بیش از هفتاد ذراع و طول و عرض مطابق با ساختمان عمارت احاطه کرده بود. ۶ کاملاً مشخص بود که تمام ساختمانها با شکوه و عظمت و یک هزینه کاملاً بی سابقه بنا شده است. ۷ بدیهی بود که از هیچ هزینه‌ای برای چفت و بست‌ها و استوار ساختن لنگه درها که آن را به چارچوب وصل می‌کرد، دریغ نکرده بودند. ۸ سبک پرده نیز کاملاً متناسب با سبک درهای ورودی بود. ۹ تار و پود آن در اثر باد در حرکت دائمی بود، و چون این حرکت از پایین منتقل می‌شد و پرده تا بالاترین حد خود در نوسان قرار می‌گرفت، منظره‌ای دلپذیر را به وجود می‌آورد که شخص به سختی می‌توانست نگاه خود را از آن جدا کند.

۱۰ بنای مذبح مطابق با خود مکان و قربانی‌های سوختنی بود که بر روی آتش کاملاً می‌سوختند، و نزدیک شدن به آن نیز در مقیاس مشابه بود. ۱۱ یک شیب تدریجی در آن وجود داشت که به خوبی برای رعایت پاکیزگی در نظر گرفته شده بود، و کاهنان خدمتگزار تا مچ پا لباس‌های کتانی می‌پوشیدند. ۱۲ معبد رو به مشرق و پشت آن

به سمت مغرب است. ۱۳ تمام کف صحن معبد سنگ فرش شده است و تا قسمت معینی که در نظر گرفته شده است به سمت پایین می‌آید تا آبی که برای شستن خون قربانی‌ها جاری می‌شود به راحتی منتقل شود، زیرا هزاران حیوان در روز و بخصوص در روز عید، قربانی می‌شوند. ۱۴ و ذخایر آب که تمام شدنی نیستند در آنجا وجود دارد، زیرا چشمه‌های طبیعی فراوانی از داخل محوطه معبد فوران می‌کند. ۱۵ بعلاوه، همانطور که به من خاطر نشان کرده بودند، در زیر زمین، در فاصله پنج ذراعی در سراسر محل معبد، آب انبارهای شگفت انگیز و وصف ناپذیری وجود دارد، و هر یک از آنها از لوله‌های بی شماری برخوردار هستند به طوری که نهرهای مختلف در آنجا به هم می‌پیوندند. ۱۶ و همه اینها را با سرب در قسمت پایین و در دیواره‌های کناری محکم می‌کردند، و مقدار زیادی گچ روی آنها کشیده شده بود، و تمام قسمت‌های کار با دقت زیاد انجام شده بود.

۱۷ روزنه‌های زیادی در پایه مذبح برای آب وجود دارد که برای همه غیر از کسانی که مشغول خدمت هستند، دیده نمی‌شود، به طوری که تمام خون قربانی‌هایی که به مقدار زیاد جمع آوری می‌شود در یک چشم بر هم زدن شسته می‌شود. ۱۸ این نظر من در مورد خصوصیات این مخازن است و اکنون به شما نشان خواهم داد که چگونه مورد تأیید قرار گرفته است.

۱۹ و مرا بیش از چهار فرسنگ به بیرون شهر بردند و به من دستور دادند که به سوی نقطه‌ای پایین بیایم و به سر و صدایی که از تلاقی آب‌ها برمی‌آمد گوش فرا دهم، به طوری که بزرگی آب انبارها که قبلاً به آن اشاره کردم برای من آشکار شد. ۲۰ خدمت کاهنان از هر جهت بی نظیر است، هم به خاطر استقامت بدنی و هم به خاطر خدمات منظم و بدون صدا. ۲۱ زیرا همه آنها بطور خود به خود کار می‌کنند، هر چند که راحت نیست و مستلزم تلاش بسیار است، و هر یک وظیفه ویژه‌ای دارد.

۲۲ خدمات بدون وقفه انجام می‌شود، بعضی چوب را تهیه می‌کنند، برخی دیگر روغن، برخی دیگر آرد گندم خوب و برخی دیگر ادویه‌ها. و برخی دیگر نیز، تکه‌های گوشت را برای قربانی سوختنی می‌آورند و قدرتی شگفت انگیز از خود نشان می‌دهند. ۲۳ زیرا با هر دو دست لاشه گوساله‌ای را می‌گیرند که وزن هر یک از آنها بیش از دو قنطار است، و با هر دست به طرز شگفت انگیزی به محل بلند مذبح می‌اندازند و هرگز از گذاشتن آنها در جای مناسب غافل نمی‌شوند. ۲۴ به همین ترتیب تکه‌های گوسفند و بز، هم از نظر وزن و هم از نظر فریبی شگفت انگیز هستند. ۲۵ برای کسانی که

کارشان این است، همیشه حیوانات بی عیب و مخصوصاً چاق را انتخاب می‌کنند، و بدین ترتیب قربانی که شرح آنرا دادم به درستی انجام می‌شود. ۲۶ مکان مخصوصی برای استراحت آنها در نظر گرفته شده است، جایی که کسانی که از وظیفه خود خلاص می‌شوند در آنجا می‌نشینند.

۲۷ وقتی این اتفاق می‌افتد، کسانی که قبلاً استراحت کرده‌اند و آماده‌اند تا وظایف خود را از سر بگیرند، خود به خود از جای خود بلند می‌شوند، زیرا کسی نیست که در مورد ترتیب کار جهت قربانی‌ها به آنها دستور بدهد. ۲۸ چنان سکوت کاملی حکمفرماست که نمی‌توان تصور کرد که حتی یک نفر هم در آنجا حضور دارد، هر چند که در واقع هفتصد مرد مشغول کار هستند، به علاوه تعداد زیادی از افرادی که به ارائه قربانی‌ها مشغول هستند. ۲۹ همه چیز با احترام و به گونه‌ای که شایسته خداوند متعال است انجام می‌شود. ۳۰ وقتی العازار را دیدیم که مشغول خدمت است، و تنها از طرز لباس پوشیدن و از شکوه ظاهری او در جامه‌ای که پوشیده بود و سنگ‌های گرانبهایی که بر سینه او قرار داشت، توانستیم او را بشناسیم بسیار متحیر شدیم.

۳۱ روی لباس او، زنگ‌های طلایی وصل شده بود که تا پایین جامه او می‌رسید و نوع خاصی از آهنگ را ایجاد می‌کرد، و در دو طرف آنها انارهایی با گل‌های متنوع و با رنگ‌های شگفت‌انگیز نقش بسته بود. ۳۲ کمر بند با ظاهری زیبا به کمر او بسته شده بود که با زیباترین رنگ‌ها به هم بافته شده بود. ۳۳ و بر سینه اش اوریم و تومیم قرار داشت که به آن تفعل خداوند گفته می‌شد، و بر آن دوازده سنگ از انواع مختلف که با طلا به هم وصل شده بود، نقش بسته بود و نام هر یک از رؤسای قبایل، برحسب ترتیب تولد آنها، درج شده بود. و هر کدام از آنها به شکلی غیر قابل توصیف، رنگ خاص خودش را به نمایش می‌گذاشت. ۳۴ بر سر او، تاجی حلقه‌ای شکل قرار گرفته بود که دیهیم نامیده می‌شد، و بر آن عمامه‌ای بی نظیر تا وسط پیشانی خود می‌گذاشت، دیهیم پادشاهی که پر از شکوه و جلال بود، نام خداوند را بر خود داشت که با حروف مقدس بر صفحه‌ای از طلا حک شده بود. و کاهن باید چنان عمل می‌کرد که شایستگی پوشیدن این نشانها در خدمت را داشته باشد. ۳۵ ظاهر آنها چنان با هیبت و با وقار بود که در ذهن ایجاد آشفستگی می‌کرد و باعث می‌شد انسان احساس کند در حضور مردی قرار گرفته است که به دنیای دیگری تعلق دارد.

۳۶ من متقاعد شده‌ام که هر کس در صحنه‌هایی که من شرح دادم شرکت کند، با حیرت و شگفتی غیر قابل توصیفی همراه خواهد شد و عمیقاً در ذهن خود از فکر

تقدسی که به هر یک از جزئیات خدمت متصل است متاثر خواهد شد. ۳۷ اما برای اینکه بتوانیم اطلاعات کاملی به دست آوریم، به بالای دژی رفتیم که در همسایگی معبد قرار دارد و به اطراف خود نگاه کردیم. ۳۸ این دژ در نقطه‌ای بسیار مرتفع واقع شده و دارای برج‌های فراوانی است که تا بالای آن ساخته شده‌اند، و بواسطه سنگ‌های عظیم، استحکام یافته و مستحکم شده‌اند. در صورت حمله، شورش یا هجوم دشمن، هیچ کس نمی‌تواند به زور از دیوارهایی عبور کند که معبد را احاطه کرده‌اند. ۳۹ بر روی برج‌های دژ، ادوات جنگی و انواع ابزار آلات دفاعی قرار داده شده بود و موقعیت آن بسیار بالاتر از دایره دیوارهایی بود که ذکر کردم.

۴۰ برج‌ها نیز توسط اکثر مردان قابل اعتمادی که نهایت وفاداری خود را به کشورشان اثبات کرده بودند، محافظت می‌شدند. ۴۱ این افراد هرگز اجازه خروج از دژ را نداشتند، مگر در روزهای اعیاد و سپس تنها به صورت دسته جمعی، و به هیچ غریبه‌ای نیز اجازه ورود به آن را نمی‌دادند. ۴۲ آنها همچنین بسیار مراقب بودند که هر گونه فرمانی که از طرف افسر ارشد برای پذیرش شخصی جهت بازدید صادر می‌شد مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد، همانطور که خود ما نیز چنین تجربه‌ای را در کشور خود داشتیم. ۴۳ آنها مایل نبودند که ما را برای دیدن و تماشای قربانی‌ها بپذیرند؛ گرچه ما فقط دو مرد غیر مسلح بودیم. ۴۴ و آنها اظهار داشتند که وقتی این امانت به آنها سپرده شد، آنها مورد قسم قرار گرفته‌اند، و همه آنها سوگند یاد کرده بودند و موظف بودند که سوگند خود را به طور درست انجام دهند، هر چند که تعداد آنها پانصد نفر بود، اما اجازه نداشتند که در یک زمان به بیشتر از پنج مرد برای ورود به دژ اجازه بدهند. ۴۵ این پادگان جهت حفاظت ویژه از معبد بود و سازندگان دژ، آن را چنان محکم ساخته بود که می‌توانست به نحو عالی و بطور مؤثر از معبد محافظت کند.



۱ وسعت شهر از ابعاد متوسطی برخوردار است. ۲ تا جایی که می‌توان حدس زد، حدود چهل فرسنگ است. ۳ برج‌های دژ به شکل نیم دایره چیده شده‌اند و گذرگاه‌هایی بین آنها منتهی به معبد می‌شود و اکنون دوراهی برج‌های پایین قابل مشاهده است اما برج‌های بالا از رفت و آمد بیشتری برخوردار هستند.

۴ زمین دارای شیبی است که به طرف بالا می‌رود، زیرا شهر بر کوه بنا شده است. ۵

پله‌هایی هم هست که به دو راهی منتهی می‌شود و بعضی‌ها همیشه بالا می‌روند و بعضی دیگر پایین می‌آیند و در مسیر حرکت خود تا حد امکان از یکدیگر فاصله می‌گیرند، زیرا آنها مقید به احکام پاکی هستند، و مواظب هستند که مبادا به چیزی که غیر شرعی است دست بزنند. ۶ بی دلیل نبود که بنیانگذاران اولیه، نقشه شهر را به نسبت مناسب برای اصول احکام شرعی ساختند، زیرا آنها از بینش روشنی نسبت به آنچه لازم بود برخوردار بودند. ۷ زیرا این سرزمین وسیع و از زیبایی برخوردار است.

۸ برخی از بخش‌های این سرزمین هموار هستند، به ویژه نواحی که به نام آن به سامره تعلق دارد و با سرزمین ادومیه همسایه است، بخش‌های دیگر کوهستانی است، به ویژه آنهایی که مجاور سرزمین یهودیه است. ۹ بنابراین مردم مجبورند خود را وقف کشاورزی و زراعت خاک کنند تا از این طریق بتوانند محصول فراوانی داشته باشند. ۱۰ به این ترتیب هر گونه زراعت انجام می‌شود و محصولی فراوان و فوق از انتظار در تمامی این سرزمین برداشت می‌شود. ۱۱ شهرهایی که بزرگ هستند و از رونق مناسبی برخوردارند، پر جمعیت هستند، اما از مناطق روستایی اجتناب می‌کنند، زیرا همه انسانها به خوش گذرانی در زندگی تمایل دارند، چنانچه بطور طبیعی هر کس تمایل به لذت دارد. ۱۲ در اسکندریه که از نظر وسعت و رونق بر همه شهرها برتری دارد، همین اتفاق رخ داده است. ۱۳ مردم روستاها با مهاجرت از دهات و اسکان یافتن در شهر، کشاورزی را از رونق انداخته‌اند و از این رو پادشاه برای جلوگیری از سکونت آنان در شهر دستور داده است که بیش از بیست روز حق ماندن در شهر را ندارند. ۱۴ و به همین ترتیب به قضات دستور کتبی داده که اگر علیه کسی که در آن کشور زندگی می‌کند احضاریه‌ای ابلاغ شود در صورت لزوم، پرونده باید ظرف پنج روز حل و فصل شود.

۱۵ و از آنجایی که پادشاه این موضوع را امری بسیار مهم می‌داند، برای هر ناحیه مأموران قانونی را با دستیاران آنها منصوب کرده است، تا کشاورزان و حامیان آنها این امکان را نداشته باشند که به خاطر منافع تجاری خود، انبارهای غله شهر را خالی از محصولات کشاورزی و دامداری کنند. ۱۶ من در اینکه کمی از اصل موضوع خارج شدیم اشکالی ندیدم زیرا این العازار بود که با وضوح بسیار به نکاتی که ذکر شد اشاره کرد. ۱۷ زیرا نیروی کاری که در امور کشت و زرع فعال هستند بسیار زیاد است. ۱۸ زیرا زمین پر از درختان زیتون فراوان و در زیر کشت ذرت و حبوبات و انگور و عسل فراوان است. ۱۹ انواع دیگر درختان میوه و خرما در مقایسه با آنها به حساب نمی‌آیند. ۲۰ انواع گاوها به مقدار زیاد وجود دارند و چراگاههای غنی نیز برای آنها وجود دارد.

۲۱ بنابراین آنها به درستی تشخیص می‌دهند که مناطق کشاورزی کشور به جمعیت زیادی نیاز دارند و روابط بین شهر و روستاها به درستی تنظیم شده است. ۲۲ مقدار زیادی ادویه و سنگ‌های قیمتی و طلا توسط اعراب به کشور آورده می‌شود. ۲۳ زیرا این کشور نه تنها برای کشاورزی، بلکه با تجارت نیز به خوبی سازگار است، و شهر از نظر هنر غنی است و هیچ کالایی که از طریق دریا وارد شود، وجود ندارد.

۲۴ این سرزمین دارای بندرهای بسیار مناسب و سودمند در اسکالان، یافا، و غزه، و همچنین در بطلمیوس است که توسط پادشاه تأسیس شده و در مقایسه با سایر مکانهای دیگری که وجود دارند از جایگاهی مرکزی برخوردار هستند، و از هیچ یک از آنها دور نیستند. ۲۵ این کشور همه چیز را به وفور تولید می‌کند، زیرا از همه جهات به خوبی آبیاری می‌شود و به خوبی از طوفان نیز محافظت می‌شود. ۲۶ رود اردن چنانچه که می‌گویند، هرگز خشک نمی‌شود، و از میان این سرزمین می‌گذرد. ۲۷ در کل، کشور کمتر از ۶۰ میلیون جریب وسعت ندارد - گرچه پس از آن اقوام همسایه به آن حمله کردند؛ و در هر یک صد جریب مزارع، حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر در آن مستقر شدند. ۲۸ رودی مانند نیل در زمان برداشت بالا می‌آید و بخش زیادی از زمین را سیراب می‌کند. ۲۹ و در نزدیکی ناحیه‌ای که متعلق به مردم بطلمیوس است به رودخانه دیگری ریخته و سپس به دریا می‌ریزد. ۳۰ جویبارهای کوهستانی دیگری نیز وجود دارند که به طرف دشت جاری می‌شوند و بخش‌های اطراف غزه و ناحیه اشدود را در بر می‌گیرند.

۳۱ کشور توسط یک حصار طبیعی احاطه شده است و به دلیل وجود گردنه‌های باریک و مشرف به پرتگاه‌ها و دره‌های عمیق و ویژگی ناهموار مناطق کوهستانی که سراسر این سرزمین را احاطه کرده‌اند، حمله به آن بسیار دشوار است و حتی با نیروهای نظامی بزرگ به راحتی حمله به آن امکان پذیر نیست. ۳۲ به ما گفتند که قبلاً از کوه‌های همجوار عربستان، مس و آهن به دست می‌آمد. ۳۳ اما در زمان حکومت پارسیان، این امر متوقف شد، زیرا مقامات وقت گزارش دروغی مبنی بر بی فایده بودن و پرهزینه بودن کار معادن به منظور جلوگیری از نابودی کشورشان توسط معدن منتشر کردند. این تصمیم احتمالاً به دلیل حکومت پارسیان بر آنها گرفته شده است، زیرا با کمک این گزارش دروغ، بهانه‌ای برای ورود به منطقه پیدا کردند. ۳۴ اکنون، برادر عزیزم فیلوکراتس، تمام اطلاعات ضروری را در ارتباط با این موضوع به طور مختصر به شما داده‌ام. ۳۵ در ادامه نیز کار ترجمه کتابها را شرح خواهم داد.

۳۶ کاهن اعظم مردانی را انتخاب کرد که دارای بهترین شخصیت و بالاترین فرهنگ بودند، چنان که از والدین اصیل آنها انتظار می‌رفت. ۳۷ آنها مردانی بودند که نه تنها

در ادبیات یهود مهارت پیدا کرده بودند، بلکه ادبیات یونانیان را نیز به دقت مطالعه کرده بودند. ۳۸ از این رو آنها برای خدمت در سفارتخانه‌ها صلاحیت خاصی داشتند و هر زمان که لازم بود این وظیفه را بر عهده می‌گرفتند. ۳۹ آنها امکانات بسیار خوبی برای کنفرانس‌ها و بحث در مورد مشکلات مربوط به احکام و قوانین شریعت داشتند. ۴۰ آنها میانه رو بودند و از این طریق حمایت می‌کردند؛ و البته این همیشه بهترین راه برای پیگیری است. ۴۱ آنها از روش خشن و ناجوانمردانه متنفر بودند، و کاملاً فروتن بودند و هیچ گاه خود را برتر از دیگران به حساب نمی‌آوردند و در گفتگو آماده شنیدن و دادن پاسخ مناسب به هر سؤالی بودند. ۴۲ و همگی این اصول را به دقت رعایت می‌کردند و بیش از هر چیز مشتاق بودند که در رعایت آن بر یکدیگر برتری پیدا کنند و همگی آنها شایسته داشتن چنین رهبر با فضیلتی بودند. ۴۳ و می‌توان مشاهده کرد که آنقدر العازار را دوست داشتند که هیچ تمایلی به جدا شدن از او نداشتند و او نیز به همین شکل، آنها را دوست داشت.

۴۴ از اینرو او نه تنها نامه‌ای به پادشاه در مورد حفاظت و بازگشت سالم و سلامت آنها نوشت، بلکه با جدیت از آندریاس نیز درخواست کرد که در راستای همین هدف تلاش کند و از من نیز خواست تا در حد توانم کمک کنم. ۴۵ و هر چند که ما قول دادیم تا در مورد این موضوع نهایت توجه خود را بکنیم، اما او گفت که هنوز به شدت مضطرب و نگران است، زیرا می‌دانست که پادشاه به دلیل نیکویی ذاتش، هرگاه از مردی می‌شنید که از نظر فرهنگ و خرد برتر از هم‌نوعان خود است، او را به دربار خود فرا می‌خواند و این را بالاترین امتیاز خود می‌دانست. ۴۶ زیرا من سخنی زیبا از پادشاه شنیده‌ام که می‌گفت با حضور افراد عادل و عاقل در دربار خود، بیشترین محافظت را برای پادشاهی خود بوجود خواهد آورد، زیرا چنین دوستانی، بدون قید و شرط سودمندترین توصیه‌ها را به او ارائه خواهند داد. ۴۷ و مردانی که اکنون توسط العازار نزد او فرستاده می‌شدند، بی تردید این ویژگی‌ها را داشتند. ۴۸ و کاهن اعظم مکرراً با سوگند اظهار می‌کرد که اگر صرفاً منافع شخصی او انگیزه محرک را تشکیل می‌داد، هرگز آنها را رها نمی‌کرد؛ اما این امر به نفع مشترک همه شهروندان بود که آنها را می‌فرستاد. ۴۹ زیرا، او توضیح داد، زندگی خوب در حفظ احکام شریعت است و این هدف بسیار بیشتر با شنیدن حاصل می‌شود تا با خواندن. ۵۰ از این اظهارات و اظهارات مشابه دیگر مشخص می‌شد که او چه احساسی نسبت به آنها دارد.



۱ شایان ذکر است که به طور خلاصه، اطلاعاتی را که او در پاسخ به سؤالات ما داده است ذکر کنیم. ۲ زیرا گمان می‌کنم که اکثر مردم نسبت به برخی از مصوبات احکام شریعت، به ویژه آنهایی که در مورد انواع گوشت و نوشیدنی‌ها و حیواناتی است که نجس و ناپاک شناخته می‌شوند، کنجکاو هستند. ۳ وقتی پرسیدیم چرا، از آنجایی که فقط یک شکل از آفرینش وجود دارد، برخی از حیوانات برای خوردن ناپاک و برخی دیگر حتی برای لمس نجس تلقی می‌شوند (زیرا اگر چه شریعت در بیشتر موارد دقیق است، اما به ویژه در مورد مواردی مانند احتیاط بسیار با وسواس و با دقت عمل می‌کند.) او پاسخ خود را اینگونه آغاز کرد: ۴ او گفت: «شما مشاهده می‌کنید که شیوه‌های زندگی و معاشرت‌های ما چه تأثیری بر ما دارد. انسانها با معاشرت با بدکاران، تحت تاثیر فساد و اخلاق بد آنها قرار می‌گیرند و در طول زندگی خود دچار مصیبت و مشکلات می‌شوند. اما اگر با خردمندان و افراد حکیم زندگی کنند، وسیله‌ای برای فرار از جهل و اصلاح زندگی خود می‌یابند.

۵ قوانین شریعت ما قبل از هر چیز اصول تقوا و درستی را بیان کرده و نقطه به نقطه نه صرفاً با ممنوعیت بلکه آنها را با استفاده از مثالها تلفیق کرده و آثار زیانبار گناه و مجازاتهای خداوند بر مجرمان را نشان می‌دهد. ۶ زیرا او قبل از هر چیز ثابت کرد که فقط یک خدا وجود دارد و قدرت او در سراسر جهان ظاهر می‌شود، زیرا همه مکانها از حاکمیت او پر شده است و هیچ یک از چیزهایی که در خفا توسط مردم بر روی زمین انجام می‌شود از دانش او دور نمی‌ماند. ۷ زیرا هر آنچه انسان انجام می‌دهد و هر آنچه در آینده اتفاق می‌افتد برای او آشکار است.

۸ او با بررسی دقیق این حقایق و آشکار ساختن آنها، نشان داد که حتی اگر کسی به انجام شرارت فکر کند؛ حتی اگر چیزی از انجام دادن آن نگوید؛ از تشخیص آن توسط خداوند فرار نخواهد کرد، زیرا او به وضوح نشان داد که قدرت خداوند تمام شریعت را فرا گرفته است. ۹ او از ابتدا و از اولین نقطه شروع کرد و نشان داد که همه بشر به جز ما به وجود خدایان بسیاری اعتقاد دارند، اگرچه آنها خود بسیار قدرتمندتر از موجوداتی هستند که بیهوده آنها را می‌پرستند. ۱۰ زیرا وقتی مجسمه‌هایی از سنگ و چوب می‌سازند، می‌گویند که این تصویر چیزهایی است که برای زندگی چیزهای مفیدی اختراع کرده‌اند و از اینرو آنها را می‌پرستند، هرچند دلیل بسیار روشنی وجود دارد که آنها هیچ احساسی ندارند. ۱۱ زیرا کاملاً احمقانه خواهد بود که تصور کنیم

کسی به واسطه اختراعات خود خدا بشود. ۱۲ زیرا مخترعان صرفاً اشیاء خاصی را که قبلاً ایجاد شده بودند برداشتند و با ترکیب آنها با یکدیگر نشان دادند که دارای فایده تازه‌ای هستند: آنها خود جوهر و ذات آن چیز را خلق نکرده‌اند و بنابراین ساختن خدایان برای مردم امری بیهوده و احمقانه است. خدایانی که مثل خودشان انسان هستند.

۱۳ زیرا در زمان ما بسیاری هستند که بسیار مبتکرتر و بسیار دانشمندتر از مردان روزگار پیشین هستند که برای آنها الوهیت قائل شده‌اند، و با این حال هرگز برای پرستش آنها نمی‌آیند. ۱۴ سازندگان و نویسندگان این افسانه‌ها فکر می‌کنند که آنها خردمندترین یونانیان هستند. ۱۵ چرا ضرورت دارد که ما از افراد خود شیفته دیگر، مانند مصریان و امثال آنها صحبت کنیم، که بر جانوران وحشی و بسیاری از خزنده‌ها و چهارپایان توکل می‌کنند و آنها را می‌پرستند و برای آنها قربانی می‌کنند، هم در زمان حیات و هم در هنگام مردن؟ ۱۶ اما آن شخصی که شریعت و قوانین ما را به نگارش درآورد، مردی حکیم و مخصوصاً از جانب خدا برای درک همه چیز به او دانش و حکمت عطا شده بود، به هر جزئیات خاص نگاهی جامع داشت و به دور ما با باروها و دیوارهای آهنی تسخیر ناپذیر حصار کشید تا اصلاً با هیچ یک از ملت‌های دیگر مخلوط نشوند. چنانچه از نظر جسمی و روحی پاک و عاری از خیالات بیهوده باقی بمانند و خدای یکتا را بالاتر از همه خلقت پرستش کنند. ۱۷ از این رو، کاهنان برجسته مصری که با دقت بسیاری به مسائل نگاه می‌کنند، و از امور ما آگاه بودند، ما را «مردان خدا» می‌نامند. ۱۸ این عنوانی است که متعلق به بقیه بشر نیست، بلکه فقط به کسانی تعلق دارد که خدای حقیقی را می‌پرستند. ۱۹ بقیه مردان خدا نیستند، بلکه اهل گوشت و نوشیدنی و لباس هستند. ۲۰ زیرا تمام خلق و خوی آنها باعث می‌شود که در این چیزها تسلی و خوشی پیدا کنند، اما همه این چیزها در کل چیزی به حساب نمی‌آیند.

۲۱ در میان مردم ما، توجه اصلی آنها در تمام طول زندگی، حاکمیت خداوند است. ۲۲ تا مبادا به وسیله ی امور پلید و ناپاک فاسد شده یا زندگی ما به وسیله سخنان شیطانی منحرف شود، او ما را از هر طرف به وسیله قواعد پاکی محافظت می‌کند و بر آنچه می‌خوریم یا می‌نوشیم یا لمس می‌کنیم یا می‌شنویم یا می‌بینیم یکسان تأثیر می‌گذارد. ۲۳ زیرا اگرچه، به طور کلی، همه چیز در ساختار طبیعی خود یکسان است، زیرا همه آنها توسط یک نیرو و یک قدرت اداره می‌شوند، اما در هر مورد بطور جداگانه دلیل عمیقی وجود دارد که چرا ما از استفاده از چیزهای خاص امتناع می‌کنیم و در

استفاده از سایر چیزهای معمول لذت می‌بریم.

۲۴ برای تشریح و توصیف بهتر، یکی دو نکته را مرور می‌کنم و آنها را برای شما توضیح می‌دهم. ۲۵ زیرا نباید در این فکر تحقیرآمیز قرار بگیرید که موسی قوانین خود را با دقت بسیار زیاد به خاطر حفاظت از موش‌ها و راسوها و چیزهای دیگر از این قبیل وضع کرد. ۲۶ همه این احکام به خاطر عدالت برای کمک به جستجوی فضیلت و کمال شخصیت انجام شد. ۲۷ زیرا همه پرندگانی که ما استفاده می‌کنیم رام هستند و از نظر تمیزی متمایز می‌شوند و از انواع غلات و حبوبات تغذیه می‌کنند، مانند کبوتر، لاک پشت، ملخ، کبک، غاز و همه پرندگان دیگر از این طبقه. ۲۸ اما پرندگانی را که ممنوع شده‌اند، وحشی و گوشت خوار هستند، و با قدرتی که دارند بر دیگران ظلم می‌کنند و با شکار پرندگان رام برشمرده شده در بالا، غذای خود را به شکلی بی‌رحمانه به دست می‌آورند.

۲۹ و نه تنها بره‌ها و بزغاله‌ها را می‌گیرند بلکه انسانها را چه مرده و چه زنده مجروح می‌کنند؛ پس از این رو با ناپاک نامیدن آنها، و به وسیله آنها به ما نشانهایی داد که کسانی که احکام شریعت برای آنها مقرر شده است، باید در دل‌هایشان عدالت پیشه کنند و با تکیه بر نیروی خود بر کسی ظلم نکنند و چیزی از او غارت نکنند، بلکه مسیر زندگی خود را بر اساس عدالت هدایت کنند، همانطور که پرندگان رام که قبلاً ذکر شد، انواع مختلف غلات را مصرف کرده و روی زمین رشد می‌کنند و با نابود کردن هموعان خود، ظلم نمی‌کنند. ۳۰ بنابراین، قانونگذار ما به ما آموخت که با چنین روشهایی است که به خردمندان نشان داده می‌شود، که آنها باید عادل باشند و با خشونت کاری نداشته باشند، و از ظلم بر دیگران با تکیه بر نیروی خود خودداری کنند. ۳۱ زیرا از آنجایی که حتی دست زدن به چنین حیوانات ناپاک، همانطور که ذکر شد، به دلیل عادات خاص آنها، ناپسند تلقی می‌شود، ما همچنین باید هر گونه احتیاط را انجام دهیم تا شخصیت خودمان نیز به همان میزان از بین نرود؟ ۳۲ از این رو، تمام قواعدی را که او در مورد این پرندگان و سایر حیوانات مجاز وضع کرده است، با هدف آموزش یک درس اخلاقی به ما بوده است. ۳۳ زیرا تقسیم سم و جدا بودن پنجه‌ها به این منظور است که به ما بیاموزد که ما باید بین اعمال فردی خود و عمل به فضیلت تمایز قائل شویم. ۳۴ زیرا قدرت کل بدن ما و فعالیت آن به شانه‌ها و اندام‌های ما بستگی دارد.

۳۵ بنابراین، او ما را وادار می‌کند که تشخیص دهیم که باید همه اعمال خود را با نکته سنجی طبق معیار عدالت انجام دهیم، به ویژه به این دلیل که ما به طور

مشخص از بقیه نوع بشر جدا شده‌ایم. ۳۶ زیرا اکثر مردان دیگر با هم بستر شدن با روسپیان و یا سایر زنان، خود را نجس می‌کنند و بدین وسیله گناه بزرگی انجام می‌دهند، و کل کشورها و شهرها به چنین رذیلت و فسق و فجوری افتخار می‌کنند. ۳۷ زیرا آنها نه تنها با مردان آمیزش می‌کنند، بلکه مادران خود و حتی دختران خود را نیز نجس می‌کنند. ۳۸ اما ما از این گونه گناهان جدا شده‌ایم. ۳۹ و افرادی که به روش فوق از هم جدا شده‌اند نیز توسط قانونگذار دارای موهبت حافظه هستند. ۴۰ همه حیواناتی «که دارای سُم‌های شکافته و دوپاره هستند و نشخوار می‌کنند» نشان دهنده نماد حافظه است. ۴۱ زیرا نشخوار کردن مایه چیزی به غیر از یادآوری زندگی و هستی نیست.

۴۲ زیرا زندگی از طریق غذا حفظ می‌شود، از این رو او در کتاب شریعت نیز با این کلمات به ما توصیه می‌کند: «به یقین خداوند را که چنین چیزهای بزرگ و شگفت انگیز را در تو انجام داده است، به یاد آور.» ۴۳ زیرا هنگامی که آنها به درستی تصور شوند، آشکارا بزرگ و با شکوه هستند. ابتدا ساختن بدن و قرار دادن دهان برای غذا و جدا شدن هر عضو و بیشتر سازماندهی حواس، عملکرد و حرکت نامرئی ذهن، سرعت اعمال خاص آن و کشف هنرها؛ حکمت و تدبیری بی نهایت را به نمایش می‌گذارند. ۴۴ از این رو او ما را تشویق می‌کند که به یاد داشته باشیم که اجزای فوق توسط قدرت الهی با مهارت کامل در کنار هم نگه داشته می‌شوند. ۴۵ زیرا او همه زمانها و مکانها را مشخص کرده است تا خدایی را که بر ما حکومت می‌کند و ما را حفظ می‌کند، پیوسته یاد کنیم. ۴۶ زیرا در مورد خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها به ما دستور می‌دهد که اولاً بخشی را به عنوان قربانی تقدیم کنیم و پس از آن، از غذای خود لذت ببریم. ۴۷ بعلاوه، دستور ایجاد نمادهایی از یادآوری بر جامه‌هایمان به ما داده شده است، و به همین ترتیب به ما دستور داده است که آیات الهی را به عنوان یاد خدا بر دروازه‌ها و درهای خانه خود قرار دهیم. ۴۸ و بر دستمان ما نیز صریحاً دستور می‌دهد که نمادی را به بازوی خود ببندیم، و به وضوح نشان می‌دهد که ما باید هر عملی را به درستی انجام دهیم، و خلقت خود را به یاد داشته باشیم، و مهمتر از همه ترس از خدا.

۴۹ او همچنین به مردان دستور می‌دهد که هنگامی که دراز می‌کشند تا بخوابند و دوباره بر می‌خیزند، در اعمال خدا، نه تنها در کلام، بلکه با مشاهده آشکار تغییر و تأثیری که بر آنها در هنگام خواب و برخاستن از خواب ایجاد می‌شود، تأمل کنند. همچنین فکر کنند در مورد خدایی که آنها را از بیداری به خواب و از خواب به بیداری

می‌برد، چقدر عظیم و غیر قابل درک است. ۵۰ اکنون وجه تمایز قائل شدن بر اساس تشخیص حافظه، اشاره به تفسیر و برداشت ما از «حیوانات شُم شکافته و نشخوار کننده» دارد. ۵۱ زیرا احکام شریعت ما به طور تصادفی یا مطابق با اولین فکری که بطور اتفاقی به ذهن خطور می‌کند تنظیم نشده است، بلکه با نگاه به حقیقت و اشاره به دلایل درست تدوین شده است. ۵۲ زیرا با دستوراتی که او در مورد انواع گوشت‌ها و نوشیدنی‌ها و در موارد خاص لمس ارائه می‌کند، به ما دستور می‌دهد که به هیچ چیزی بدون فکر گوش نکنیم و با سوء استفاده از قدرت عقل به بی عدالتی متوسل نشویم. ۵۳ در مورد حیوانات وحشی نیز همین اصول حاکم است. ۵۴ زیرا شخصیت راسو و موش و حیواناتی مانند اینها که صریحاً ذکر شده است ویرانگر است. ۵۵ موش‌ها همه چیز را نجس می‌کنند و به همه چیز صدمه می‌زنند، نه تنها برای غذای خود، بلکه حتی تا حدی که هر چیزی را که سر راهشان باشد برای انسان بی فایده می‌کنند. ۵۶ طبقه راسو نیز خاص است، زیرا علاوه بر آنچه گفته شد، یک ویژگی ناپاک دارد: از طریق گوش باردار می‌شود و از طریق دهان نوزاد خود را به دنیا می‌آورد. ۵۷ و به همین دلیل است که عمل مشابه این امر، در انسان نجس اعلام می‌شود.

۵۸ زیرا با در نظر گرفته شدن هر آنچه که گفته می‌شود و از طریق گوش دریافت می‌کنند، دیگران را در شرارت‌ها قرار می‌دهند و هیچ ناپاکی معمولی انجام نمی‌دهند، بلکه خود را به کلی از بی تقوایی، آلوده و ناپاک می‌سازند. ۵۹ و پادشاه شما، همانطور که به ما اطلاع داده شده است، در نابود کردن چنین مردانی کاملاً درست عمل می‌کند. ۶۰ سپس گفتیم: «من فکر می‌کنم منظور شما خبر چینان و جاسوسان است، زیرا او دائماً آنها را در معرض شکنجه‌ها و انواع دردناک مرگ قرار می‌دهد.» ۶۱ او پاسخ داد: «بله، منظور من همین مردان هستند. زیرا تماشای نابودی مردم امری نامقدس است. ۶۲ و شریعت ما را منع می‌کند که با گفتار یا عمل خود به کسی صدمه نزنیم. ۶۳ شرح مختصر من از این مسائل باید شما را متقاعد می‌کرد که تمام مقررات ما با هدف درستی تنظیم شده است، و هیچ چیز در کتاب شریعت، بدون فکر یا بدون دلیل موجه وضع نشده است، بلکه هدف آن این است که ما را در سراسر جهان قادر سازد تا در تمام زندگی خود و در تمام اعمال خود در برابر همه انسانها عمل صالح انجام دهیم و از خدای متعال یاد کنیم. ۶۴ و بنابراین هدف کلی در مورد گوشتها و چیزهای ناپاک، از قبیل خزنده، و حیوانات وحشی، ایجاد نظام عدالت و روابط درست بین انسان و انسان است.»

۶۵ به نظر من او دفاع خوبی در تمامی این مسائل از خود نشان داد. زیرا در مورد

گوساله‌ها و قوچ‌ها و بزهایی که تقدیم می‌شوند، گفت که باید آنها را از رمه‌ها و گله‌ها گرفت و حیوانات اهلی را قربانی کرد و چیزی وحشی تقدیم نکرد تا قربانی کنندگان معنای نمادین آن را توسط قانونگذار درک کنند، و تحت تأثیر خودآگاهی متکبرانه قرار نگیرند. ۶۶ زیرا کسی که قربانی تقدیم می‌کند، جان خود را نیز با تمامی حالات مشابه، قربانی می‌کند. ۶۷ من فکر می‌کنم که این جزئیات در مورد بحث ما قابل نقل است و به دلیل حرمت و مفهوم و سرشت طبیعی شریعت، و به دلیل ارادت خود به یادگیری، به من القا شده است که آنها را به وضوح برای شما توضیح دهم.



۱ و العازار پس از تقدیم قربانی و انتخاب فرستادگان و تهیه هدایای فراوان برای پادشاه، ما را با امنیت بسیار به سفر اعزام کرد. ۲ و چون به اسکندریه رسیدیم، پادشاه را فوراً از آمدن ما مطلع کردند. ۳ هنگام ورود به قصر، من و آندریاس به گرمی به پادشاه سلام کردیم و نامه‌ای را که العازار نوشته بود به او تحویل دادیم. ۴ پادشاه برای دیدار با فرستادگان بسیار مشتاق بود و دستور داد که همه مقامات دیگر آنجا را ترک کنند و فرستادگان فوراً به حضور او احضار شوند. ۵ حضور غیر منتظره این فرستادگان سبب شگفتی عموم شده است، زیرا معمول است که کسانی که برای ملاقات با پادشاه در مورد مسائل مهم می‌آیند، در روز پنجم به حضور او پذیرفته می‌شوند، در حالی که فرستادگان پادشاهان یا شهرهای بسیار مهمی که مشکل دارند، می‌توانند در طی سی روز به صحن پادشاه وارد شوند. اما پادشاه این افراد را سزاوار احترام بیشتری می‌دانست، زیرا برای رئیس آنها احترام زیادی قائل بودند، و بنابراین بلافاصله کسانی را که حضورشان را غیر ضروری می‌دانست، مرخص نمود و به طرف آنها به راه افتاد تا زمانی که وارد شدند او بتواند از آنها استقبال کند.

۶ هنگامی که آنها با هدایایی که با ایشان فرستاده شده بود و پوستهای گرانبهایی که بر آنها شریعت با حروف یهودی نوشته شده بود وارد شدند، زیرا این پوستها به طرز شگفت انگیزی آماده شده بود و ارتباط بین صفحات آن چنان به وجود آمده بود که نامرئی به نظر می‌رسید، پادشاه به محض دیدن آنها شروع به پرسیدن در مورد کتابها کرد. ۷ و هنگامی که طومارها را از روکش‌های خود بیرون آوردند و صفحات آن را باز کردند، پادشاه مدتی طولانی ایستاد و سپس حدود هفت بار سجده کرد و گفت: ۸ «دوستان من از شما سپاسگزارم و از کسی که شما را پیش ما فرستاد، و مهمتر از

همه خدا را سپاس می‌گویم که این سخنان اوست.» ۹ و هنگامی که همه فرستادگان و سایرین که در آنجا حضور داشتند، یکباره و یک صدا فریاد زدند: «خداوند پادشاه را حفظ کند!» از خوشحالی اشک ریخت. ۱۰ بخاطر تمجید از روح و جان پادشاه و احساس افتخاری که به او داده شده بود، پادشاه را در شرایطی قرار داد که بر بخت خوب خود اشک شوق بریزد.

۱۱ او به آنها دستور داد که طومارها را در جای خود بگذارند و پس از سلام کردن به مردان گفت: «ای مردان خدا، درست است که من قبل از هر چیز به کتابهایی که شما را به خاطر آنها احضار کردم احترام می‌گذارم. اما بعد از اینکه این کار به انجام رسید، دست راست دوستی خود را به سوی شما دراز می‌کنم. ۱۲ به همین دلیل بود که ابتدا این کار را انجام دادم. ۱۳ مقرر کرده‌ام روزی را که شما به اینجا آمده‌اید، به عنوان یک روز بزرگ نگه داشته شود و هر ساله در تمام عمر من جشن گرفته خواهد شد. ۱۴ همچنین در یک چنین روزی، سالگرد پیروزی دریایی من بر آنتیگونوس است. بنابراین من خوشحال خواهم شد که امروز با شما جشن بگیرم. ۱۵ او گفت، هر چیزی را که ممکن است مورد نیاز شما باشد، برای شما و همچنین برای من به شکلی مناسب آماده و فراهم خواهد شد. ۱۶ پس از ابراز خوشحالی، دستور داد که بهترین مکان در نزدیکی قلعه به آنها اختصاص داده شود و برای ضیافت آماده شوند. ۱۷ و نیکانور، مباشر اعظم، و دوروتئوس را که افسر ویژه‌ای بود که برای مراقبت از یهودیان منصوب شده بود، احضار کرد و به او دستور داد که برای هر یک از آنها ملزومات لازم را فراهم کند. ۱۸ زیرا این چنین ترتیبی توسط پادشاه مقرر شده بود و این ترتیبی که می‌بینید تا امروز حفظ شده است. ۱۹ زیرا بسیاری از شهرهایی که آداب و رسوم خاصی در امر نوشیدن، خوردن، و خوابیدن دارند، مأموران ویژه‌ای دارند که به احکام آنها رسیدگی کنند. ۲۰ و هرگاه به دیدار پادشاهان می‌آیند، طبق آداب و رسوم خودشان تدارک دیده می‌شود، تا مبادا برای لذت بردن از دیدار آنها مسئله ناراحت کننده‌ای ایجاد شود. ۲۱ در مورد فرستادگان یهود نیز همین احتیاط انجام شد.

۲۲ اما دوروتئوس که حامی منصوب به مراقبت از مهمانان یهودی بود، مردی بسیار وظیفه شناس بود. ۲۳ او تمام انبارهایی را که تحت کنترل او بود و برای پذیرایی از این مهمانان اختصاص داده بود، برای جشن باز کرد. ۲۴ و طبق دستور پادشاه، صندلی‌ها را در دو ردیف قرار داد. ۲۵ زیرا پادشاه به او دستور داده بود که نیمی از مردان را در دست راست او و بقیه پشت سر او بنشینند تا بالاترین افتخار را از آنها دریغ نکند. ۲۶ هنگامی که آنها در صندلی خود نشستند، به دوروتئوس دستور داد که همه

چیز را مطابق آداب و رسومی که در میان مهمانان یهودی او رواج داشت، انجام دهد. ۲۷ پادشاه از انجام امور غیر ضروری خود داری کرد و پس از خدمات منادیان مقدّس و کاهنان مسئول قربانی و دیگرانی که عادت به اقامه دعا داشتند از یکی از آنها به نام العازار، که از کهنسال‌ترین کاهنان یهودی بود، خواست که به جای او دعا بخواند. ۲۸ و او برخاست و دعای قابل توجهی کرد. «خداوند متعال تو را به همه چیزهای نیکی که آفریده است توانمند سازد و به تو و همسرت و فرزندانت و نزدیکان تو تا زمانی که زنده هستید، پیوسته مامی این چیزها را عطا فرماید.»

۲۹ پس از این سخنان، کف زدنهای ممتد و شادی آوری بلند شد که مدت زیادی ادامه یافت و سپس به ضیافتی که تدارک دیده شده بود روی آوردند. ۳۰ همه مقدمات امور پذیرایی بر سر سفره مطابق دستور دوروتئوس انجام شد. ۳۱ در میان خادمان، اعضای خانواده سلطنتی و دیگرانی بودند که در دربار پادشاه جایگاه‌های افتخاری داشتند. ۳۲ پادشاه با استفاده از فرصتی که در ضیافت فراهم شد، از فرستاده‌ای که در جایگاه افتخار نشسته بود پرسید (چون صندلی آنها بر اساس مقام مرتب شده بود)، «چگونه می‌تواند پادشاهی خود را تا آخر بی خطر نگه دارد؟» ۳۳ او پس از لحظه‌ای تأمل، پاسخ داد: «اگر بخواهی بر اساس مهربانی و محبت بی وقفه خداوند عمل کنی، به بهترین وجه می‌توانی امنیت آن را برقرار کنی. زیرا اگر شفقت نشان دهی و بر کسانی که سزاوار آن هستند، مجازات‌های خفیف در نظر بگیری، آنان را از بدی باز گردانده و به توبه خواهی کشاند.»

۳۴ پادشاه این پاسخ را ستود و سپس از مرد بعدی پرسید «که چگونه می‌تواند همه کارها را به بهترین نحو انجام دهد؟» ۳۵ و او پاسخ داد: «اگر انسان نسبت به همه رفتار عادلانه داشته باشد، همیشه در هر موقعیتی به درستی عمل خواهد کرد و به یاد داشته باشد که هر فکری برای خدا شناخته شده است. اگر ترس از خدا را نقطه شروع خود قرار دهید، هرگز هدف را از دست نخواهید داد.» ۳۶ پادشاه نیز از پاسخ این مرد قدر دانی کرد و از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند دوستانی همفکر با خود داشته باشد؟» ۳۷ او پاسخ داد: «اگر منافع گروهی را که بر آنها حکومت می‌کنید مورد نظر قرار می‌دهید. چنانچه خوب است که مشاهده کنید که چگونه خداوند برکات خود را به نوع بشر عطا می‌کند و سلامتی و غذا و همه چیزهای دیگر را در موعد مقرر برای آنها فراهم می‌سازد.» ۳۸ پادشاه پس از ابراز موافقت خود با این پاسخ، از مهمان بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند در امر قضاوت، مورد تمجید مخاطبان قرار بگیرد، حتی کسانی که موفق به برنده شدن در دعوی خود نشده‌اند؟» ۳۹ و او گفت: «اگر در

گفتار با همه به طور یکسان منصف باشید و هرگز در رفتار خود با متخلفان وقیحانه و ظالمانه رفتار نکنید. و اگر روشی را که خداوند بر اساس آن عمل می‌کند را مشاهده کنید، این کار را انجام خواهید داد. دعای شایستگان همیشه برآورده می‌شود، در حالی که کسانی که دعای آنها مستجاب نمی‌شود، در خواب یا بصورت اتفاق، از آنچه در خواسته‌های آنها زیان آور بوده آگاه می‌شوند و خداوند آنان را بر اساس گناهان و قدرتمند بودن آنها مورد کیفر قرار نمی‌دهد. قدرت از آن اوست، اما در برابر آنها با بردباری رفتار می‌کند»

۴۰ پادشاه این شخص را به گرمی به خاطر پاسخش ستود و به ترتیب از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند در امور نظامی شکست ناپذیر باشد؟» ۴۱ و او پاسخ داد: «اگر او کاملاً به فراوانی نفرات خود یا نیروهای جنگجو خود اعتماد نکند، بلکه دائماً از خدا بخواهد که کار او را به یک مسئله موفق و یا یک پیروزی برساند، در حالی که خود او نیز همه وظایف خود را با روحیه عدالت انجام دهد.» ۴۲ پادشاه با استقبال از این پاسخ، از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند. مایه وحشت دشمنانش بشود.» ۴۳ و او پاسخ داد: «اگر در هنگام ساخت و نگهداری تسلیحات و نیروهای خود، به یاد آورد که این چیزها برای دستیابی به یک نتیجه دائمی و قطعی ناتوان است. زیرا حتی خدا با اعطای مهلت و صرفاً با نمایش عظمت قدرت خود، ترس را به ذهن انسان القا می‌کند.»

۴۴ سپس پادشاه از این مرد هم تشکر کرد و سپس به نفر بعدی گفت: «بالاترین خیر در زندگی چیست؟» ۴۵ و او پاسخ داد: «بدانیم که خداوند خالق و مالک جهان است و در بهترین دستاوردهای ما این ما نیستیم که به موفقیت می‌رسیم، بلکه این خداوند است که با قدرت خود همه چیز را به انجام می‌رساند و ما را به هدف می‌رساند.» ۴۶ پادشاه فریاد زد که آن مرد به خوبی پاسخ داده است و سپس از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند تمام دارایی خود را دست نخورده نگه دارد و در نهایت آنها را با همان وضعیت به جانشینان خود تحویل دهد؟» ۴۷ و او پاسخ داد: «با دعای مستمر به حضور خداوند تا در تمام کارهای خودتان، انگیزه‌های بلند به شما الهام شود و با هشدار دادن به فرزندان خود که مبادا شهرت و ثروت آنها را خیره کند؛ زیرا این خداوند است که همه این موهبت‌ها را عطا می‌کند و انسانها هرگز با کوشش خود برتری را به دست نمی‌آورند.» ۴۸ پادشاه موافقت خود را با این پاسخ ابراز کرد و از مهمان بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند متحمل هر آنچه باشد که برای او رخ می‌دهد؟» ۴۹ و او گفت: «اگر شما مطمئن باشید و باور داشته باشید که همه انسانها از طرف خدا

منصوب شده‌اند تا در بزرگترین شر و همچنین بزرگترین خیر شریک باشند، زیرا غیر ممکن است که یک انسان از این موارد معاف شود. اما خدایی که باید همیشه در حضور او دعا کنیم، شجاعت لازم را برای تحمل هر مشکلی به ما می‌بخشد.»

۵۰ پادشاه که از پاسخ آن مرد خرسند شده بود، گفت که تمام پاسخ‌های آنها خوب و گزیده بوده است. او افزود: «ما بعد از یکدیگر سؤال خواهیم کرد، اما اینک وقت خود را به استراحت سپری کرده و توجه خود را به لذت بردن از جشن معطوف می‌کنیم و اوقات خوشی را با هم سپری خواهیم کرد». ۵۱ سپس از یکی از آنها پرسید: «هدف واقعی از شجاعت چیست؟» ۵۲ و او پاسخ داد: «برای ساعتی که خطر تهدید می‌کند برنامه ریزی درستی و مطابق با هدف اصلی طراحی شود. و خداوند نیز همه چیز را به نفع تو انجام می‌دهد، ای پادشاه، زیرا هدف تو خیر است.» ۵۳ هنگامی که همه با تشویق خود موافقت خود را با پاسخ نشان دادند، پادشاه به اندیشمندان گفت (زیرا تعداد کمی از آنها در آنجا حضور داشتند): «به نظر من این افراد در فضیلت و دانش فوق العاده عالی هستند، زیرا آنها به تمامی سؤالاتی که من از آنها پرسیدم، پاسخ‌های مناسب داده‌اند و همه خداوند را نقطه شروع سخنان خود قرار داده‌اند.»

۵۴ و مندوس، اندیشمند اریتره، گفت: «درست است، ای پادشاه؛ زیرا از آنجایی که جهان توسط مشیت خداوند اداره می‌شود و از آنجایی که ما به درستی درک می‌کنیم که انسان مخلوق خداست، بنابراین تمام قدرت و زیبایی گفتار از خداوند ناشی می‌شود.» ۵۵ پس از اینکه پادشاه این موارد را مورد تأیید قرار داد، گفتگو دیگر ادامه پیدا نکرد و آنها به خوشی مشغول شدند. و در هنگام عصر، ضیافت به پایان رسید.



روز بعد دوباره سر میز نشستند و طبق همان ترتیبات به ضیافت ادامه دادند. ۲ وقتی پادشاه فکر کرد که فرصت مناسبی برای پرسش از مهمانانش فرا رسیده است، از مردانی که در کنار هم نشسته بودند سؤالات بیشتری پرسید تا از کسانی که روز قبل پاسخ داده بودند. ۳ او شروع به باز کردن سر گفتگو با شخص یازدهم کرد، زیرا ده نفر بودند که در موارد قبلی از آنها سؤال شده بود. ۴ هنگامی که سکوت برقرار شد، او پرسید که «چگونه می‌تواند به ثروتمند بودن ادامه دهد؟» ۵ پس از تأمل کوتاهی، مردی که از او این سؤال پرسیده شده بود، پاسخ داد: «اگر شخص در موقعیتی که

قرار دارد هیچ کار ناشایستی انجام ندهد، و هرگز هوسبازانه عمل نکند، و هرگز برای کارهای پوچ و بیهوده هزینه نکند، بلکه با اعمال خیر خواهانه همه رعایای خود را نسبت به خودش متمایل نماید. و در نهایت این خداوند است که خالق همه چیزهای خوب است و انسان باید از او اطاعت کند. ۶ پادشاه پاسخ او را ستود و سپس از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند همواره به حقیقت عمل کند؟»

۷ او در پاسخ به این سؤال گفت: «با تشخیص این که دروغ برای همه انسانها و به ویژه پادشاهان سبب رسوایی می‌شود. زیرا از آنجایی که آنها قدرت انجام هر کاری را دارند، چرا باید به دروغ متوسل شوند؟ علاوه بر این ای پادشاه باید همیشه به یاد داشته باشید، که خداوند دوستدار حقیقت است.» ۸ پادشاه با خوشحالی این پاسخ را پذیرفت و به دیگری نگاه کرد و گفت: «تعلیم حکمت چیست؟» ۹ و دیگری پاسخ داد: «همانطور که دوست دارید هیچ بدی به شما نرسد، بلکه در همه خوبی‌ها شریک شوید، پس باید نسبت به رعایا و متخلفان خود به همان اصل عمل کنید و نیکوکاران و خردمندان را به ملایمت پند دهید. زیرا خداوند همه انسانها را با مهربانی و محبت خود به سوی خود جلب می‌کند. ۱۰ پادشاه پاسخ او را ستود و از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند دوست مردم باشد؟»

۱۱ و او پاسخ داد: «با مشاهده این که نسل بشر افزایش می‌یابد و زندگی خود را با مشکلات بسیار و رنج‌های فراوان می‌گذرانند، بنابراین نباید آنها را به سنگینی مجازات یا متحمل تادیب و تنبیه کنید، زیرا می‌دانید که زندگی انسانها آکنده از درد و مجازات است. زیرا اگر نسبت به همه چیز آگاه باشید رحیم و دلسوز می‌شوید، به همین خاطر، خداوند نیز رحیم و دلسوز است! ۱۲ پادشاه پاسخ او را مورد تأیید قرار داد و از نفر بعدی پرسید: «ضروری‌ترین شرایط برای حکومت چیست؟» ۱۳ او پاسخ داد: «خود را از رشوه خواری دور نگه دارید و در بیشتر عمر خود متانت را پیشه کنید، عدالت را بیش از هر چیز ارج نهاده، و با مردانی از این دست دوستی کنید. زیرا خدا نیز دوستدار عدالت است!» ۱۴ پادشاه پس از تأیید این پاسخ، به دیگری گفت: «مشخصه واقعی پارسایی چیست؟»

۱۴ و او پاسخ داد: «برای درک این که خدا دائماً در جهان کار می‌کند و همه چیز را می‌داند و هیچ انسانی که ظلم می‌کند و شرارت می‌کند نمی‌تواند خود را از چشم او پنهان کند. همانطور که خداوند بخشنده همه جهان است، شما نیز باید از او تقلید کرده و از گناه دور باشید!» ۱۵ پادشاه موافقت خود را با این پاسخ نیز نشان داد و به دیگری گفت: «ماهیت پادشاهی چیست؟» ۱۶ و او در پاسخ گفت: «اینکه خود را

به خوبی اداره کند و ثروت یا شهرت را به امیال ناشایست یا ناپسند منحرف نکند، اگر موضوعات را به خوبی و به درستی استدلال کنید این بهترین راه برای حکومت کردن است. زیرا تمام آنچه واقعاً به آن نیاز دارید در اختیار شماسست و خداوند بی نیاز و خیرخواه است. بگذارید افکار شما به گونه‌ای انسانی باشد و نه تنها به دنبال چیزهای زیادی نباشید، بلکه فقط آن چیزی را درخواست کنید که برای حکومت شما لازم است!» ۱۷ پادشاه پاسخ او را ستود و از شخص دیگری پرسید که «چگونه تدابیر او می‌تواند به بهترین نحو ممکن باشد؟» ۱۸ و او پاسخ داد: «اگر دائماً در همه چیز عدالت را پیش روی خود قرار دهد و فکر کند که بی عدالتی مساوی است با محرومیت از زندگی. زیرا خداوند همیشه بالاترین برکات و نعمت‌ها را به عادلان وعده می‌دهد!» ۱۹ پادشاه پس از ستودن پاسخ او، از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌توان از افکار مزاحم در خواب‌رهایی یافت؟»

۲۰ و او پاسخ داد: «شما از من سوالی کرده‌اید که پاسخ دادن به آن بسیار دشوار است، زیرا ما نمی‌توانیم خود واقعی خودمان را در ساعات خواب در اختیار داشته باشیم، از اینرو در این موارد تخیلاتی که نمی‌توانند با عقل کنترل شوند، به راحتی وارد صحنه می‌شوند. زیرا روح ما در واقع چیزهایی را می‌بیند و احساس می‌کند که در هنگام خواب وارد ضمیر ناخودآگاه ما می‌شوند. چنانچه اگر فرض کنیم که واقعاً با قایق در دریا حرکت می‌کنیم یا در آسمان در حال پرواز هستیم یا به مناطق دیگر یا هر چیز دیگری از این دست سفر می‌کنیم، اشتباه می‌کنیم. ولی با این حال ما واقعاً تصور می‌کنیم که چنین چیزهایی در حال وقوع هستند. ۲۱ تا آنجا که امکان تصمیم‌گیری برای من وجود دارد، به نتیجه زیر رسیده‌ام. ای پادشاه باید از هر طریق ممکن بر گفتار و کردار خود با تقوا حکم کرده و آنرا اداره کنید تا این آگاهی را داشته باشید که فضیلت را حفظ کرده و هرگز رضایت خود را به قیمت خارج از عقل و هرگز با سوء استفاده از قدرت به دست نیاورید، بلکه همه را بر اساس عدالت انجام دهید. ۲۲ زیرا ذهن بیشتر در خواب خود را با همان چیزهایی مشغول می‌کند که در بیداری خود را مشغول کرده است. و کسی که تمام افکار و اعمال خود را به سوی عالی‌ترین اهداف قرار داده است، چه در بیداری و چه در هنگام خواب، خود را در نیکی قرار می‌دهد. به همین دلیل، شما باید در نظم و انضباط دائمی خود ثابت قدم باشید.»

۲۳ پادشاه پاسخ آن مرد را ستایش کرد و به دیگری گفت: «چون تو دهمین نفر هستی که پاسخ می‌دهی، پس از صحبت شما، خودمان را وقف ضیافت خواهیم کرد.» و سپس این سوال را مطرح کرد که «چگونه می‌توانم از انجام هر کار ناشایستی

اجتناب کنم؟» ۲۴ و او پاسخ داد: «همیشه به شهرت و مقام عالی خود بنگرید، تا فقط درباره چیزهایی که با آن سازگار است صحبت کنید و فکر کنید، زیرا می‌دانید که همه رعایای شما درباره شما فکر و صحبت می‌کنند. زیرا نباید بدتر از بازیگرانی به نظر بیایید که نقشی را که لازم است اجرا کنید، آنها آنرا به دقت مطالعه می‌کنند و همه اعمال خود را مطابق با آن شکل می‌دهند. شما نقشی را ایفا نمی‌کنید، بلکه واقعاً یک پادشاه هستید، زیرا خداوند به شما قدرت سلطنت را مطابق با شخصیت شما عطا کرده است.» ۲۵ هنگامی که پادشاه به صمیمانه‌ترین شکل ممکن با صدای بلند و طولانی کف زد، از مهمانان خواسته شد تا شور و هیجان خود را کنترل کنند. پس وقتی گفتگو متوقف شد، همه خود را وقف دور بعدی جشن کردند. ۲۶ روز بعد، به همین ترتیب رعایت و عمل شد، و هنگامی که پادشاه فرصتی یافت تا از مردان سؤال کند، از اولین کسانی که هنوز برای پاسخگویی باقی مانده بودند سؤال کرد که «عالی‌ترین و بهترین شکل حکومت چیست؟» ۲۷ و او پاسخ داد: «اینکه پادشاه بر اساس بینش خود حکومت کند و تحت تأثیر انگیزه دیگران قرار نگیرد. زیرا همه انسانها دارای کمی کج ذهنی طبیعی و خاص در تفکرات خود هستند. این احتمال وجود دارد که بیشتر مردان به خوردن و آشامیدن و خوشگذرانی تمایل داشته باشند و پادشاهان تمایل به کسب قلمرو و شهرت فراوان اشتیاق داشته باشند. اما خوب است که در همه چیز اعتدال وجود داشته باشد. ۲۸ آنچه را که خدا می‌دهد، باید بگیرید و نگه دارید، اما هرگز مشتاق چیزهایی نباشید که از دست شما خارج است.» ۲۹ پادشاه که از این سخنان خشنود شده بود، از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌توان از حسادت‌هایی یافت؟»

۳۰ و او پس از مکتی کوتاه پاسخ داد: «اگر اول از همه در نظر بگیرید که این خداست که به همه پادشاهان جلال و ثروت فراوان می‌بخشد و هیچ کس به قدرت خود پادشاه نیست. و اینکه همه مردم مایلند در این جلال شریک شوند، اما نمی‌توانند، زیرا این هدیه خداوند است!» ۳۱ پادشاه با سخنانی طولانی آن شخص را ستود و سپس از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند دشمنان خود را تحقیر کند؟» ۳۲ و او پاسخ داد: «اگر به همه مردم مهربانی و محبت کنید و دوستی آنها را بدست آورید، نیازی به ترس از کسی ندارید. محبوب بودن در بین همه مردان بهترین و نیکوترین هدیه از جانب خداوند است!» ۳۳ پادشاه پس از ستودن این پاسخ، از مرد بعدی درخواست کرد تا به این سؤال پاسخ دهد که «چگونه می‌تواند شهرت بزرگ و فراوان خود را حفظ کند؟» ۳۴ و او پاسخ داد که «اگر در اعطای احسان و فیض، به دیگران سخاوتمند و بزرگ دل باشید، هرگز شهرت خود را از دست نخواهید داد، اما اگر می‌خواهید که موهبت‌های

فوق الذکر به شما ادامه یابد، باید پیوسته خداوند را بخوانید و او را به یاد آورید.» ۳۵ پادشاه خشنودی خود را از این پاسخ اعلام کرد و از نفر بعدی پرسید: «انسان باید به چه کسی گشاده دستی نشان دهد؟»

۳۶ و او پاسخ داد: «همه مردم تصدیق می‌کنند که ما باید نسبت به کسانی که با ما خوب رفتار می‌کنند گشاده دستی نشان دهیم، اما من فکر می‌کنم که باید همان روحیه سخاوتمندانه را نسبت به کسانی که با ما مخالف هستند هم نشان دهیم، زیرا ممکن است که به این وسیله ما آنها را به راه راست و آنچه که برای خودمان سودمند است جلب کنیم. اما ما باید از خدا بخواهیم که این امر محقق شود، زیرا او بر ذهن و قلب همه مردم حکومت می‌کند.» ۳۷ پادشاه پس از ابراز موافقت خود با این پاسخ، از نفر ششم خواست که به این سؤال پاسخ دهد که «ما باید از چه کسی تشکر کنیم؟» ۳۸ و او در پاسخ گفت: «باید پیوسته از پدر و مادر خود تشکر کنیم، زیرا خداوند مهم‌ترین فرمان را در مورد احترام والدین به ما داده است. در وهله بعد، خداوند نگرش و انگیزه دوست را نسبت به دوست به حساب می‌آورد، زیرا او از «دوستی که مانند روح توست» صحبت می‌کند. و شما ای پادشاه، در تلاش برای ایجاد دوستی همه افراد با خودتان به خوبی عمل می‌کنید.» ۳۹ پادشاه به مهربانی با او گفتگو کرد و سپس از نفر بعدی پرسید: «چه چیزی از نظر ارزش به زیبایی شباهت دارد؟» ۴۰ آن شخص چنین گفت: «پرهیزگاری، زیرا آن صورت برتر زیبایی است و قدرت آن در عشق و محبت است که هدیه خداوند است. شما این را قبلاً به دست آورده‌اید و همراه با آن همه برکات زندگی را نیز به دست آورده‌اید.» ۴۱ پادشاه به مهربانی پاسخ دهنده را تشویق کرد و از دیگری پرسید که «اگر شکست بخورد چگونه می‌تواند دوباره به همان درجه، شهرت خود را به دست آورد؟»

۴۲ و او گفت: «ممکن نیست شما شکست بخورید، زیرا شما در دل همه انسانها بذره‌ای شکرگزاری را کاشته‌اید که محصولی از حسن نیت است، و این از قوی‌ترین سلاح‌ها نیز قوی‌تر است و بیشترین امنیت را تضمین می‌کند. اما اگر کسی شکست خورد، دیگر نباید کارهایی را انجام دهد که باعث شکست او شده است، بلکه باید دوستی برقرار کند و به عدالت رفتار کند. زیرا این موهبت خداوند است که بتوان اعمال نیک انجام داد نه برعکس.» ۴۳ پادشاه که از این سخنان خوشحال شده بود، از دیگری پرسید که «چگونه می‌توان از غم رهایی یافت؟» ۴۴ و او پاسخ داد: «اگر شخصی هرگز به کسی صدمه زده باشد، بلکه به همه نیکی کرده و راه عدالت را دنبال کند، زیرا ثمرات آن، رهایی از غم و اندوه رابه بار می‌آورد. اما باید از خدا بخواهیم که

بلاهای غیر منتظره مانند مرگ یا بیماری یا درد یا هر چیز دیگری از این دست بر ما وارد نشود و به ما آسیب نرساند. اما چون شما اهل تقوا هستید، هرگز چنین مصیبتی بر شما نخواهد رسید.» ۴۵ پادشاه سخنان او را ستود و از دهمین نفر پرسید: «بالاترین شکوه و جلال چیست؟» ۴۶ و او گفت: «با بزرگداشت خداوند، و این نه با هدایا و قربانی‌ها، بلکه با پاکی روح و اعتقاد و ایمان مقدس، میسر می‌شود، زیرا همه چیز توسط خدا مطابق با اراده او ساخته و اداره می‌شود. این هدف شامل حال شما نیز می‌شود و آنرا در اختیار دارید، همانطور که همه مردان می‌توانند از دستاوردهای شما در گذشته و حال برخوردار باشند.»

۴۷ پادشاه با صدای بلند به همه آنها درود فرستاد و با آنها به مهربانی و ملایمت صحبت کرد و همه حاضران به ویژه حکیمان و خردمندان، رضایت خاطر و موافقت خود را با این پاسخها اعلام کردند. زیرا آنها بسیار برتر از این حکیمان بودند، چه در رفتار و چه در استدلال، زیرا آنها همیشه، خدا را در ابتدا و در نقطه شروع کلام خود قرار می‌دادند. ۴۸ پس از این، پادشاه برای نشان دادن رضایت خاطر و احساس خوب خود، به سلامتی مهمانان خود به نوشیدن پرداخت.

۹

۱ فردای آن روز همین ترتیبات برای ضیافت فراهم شد و پادشاه به محض اینکه فرصتی پیش آمد شروع کرد به سؤال کردن از مردانی که در کنار کسانی نشسته بودند که قبلاً پاسخ داده بودند و به اولین نفر گفت: «حکمت قادر به تعلیم است؟» ۲ و او گفت: «روح آنچنان ساخته شده است که به قدرت الهی قادر است همه خوبی‌ها را دریافت کند و خلاف آن را رد کند.» ۳ پادشاه ابراز رضایت کرد و از شخص بعدی پرسید: «چه چیزی برای سلامتی مفیدتر است؟» ۴ او گفت: «اعتدال، و کسب آن ممکن نیست مگر اینکه خداوند نسبت به آن تمایل ایجاد کند.» ۵ پادشاه با محبت با آن مرد صحبت کرد و به دیگری گفت: «چگونه یک مرد می‌تواند به شایستگی دین خود و تشکرات خود را به والدین خویش ادا کند؟» ۶ و او گفت: «بدین وسیله که هرگز سبب درد و رنج آنها نشویم، و این ممکن نیست مگر اینکه خدا ذهن انسان را در موقعیتی قرار دهد که به دنبال عالی‌ترین اهداف باشد.» ۷ پادشاه ابراز موافقت خود را اعلام کرد و از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند شنونده مشتاقی شود؟»

۸ و او گفت: «با یادآوری این که همه دانش‌ها مفید هستند، زیرا به کمک خدا در

مواقع اضطراری به شما این امکان را می‌دهد که از برخی چیزهایی که آموخته‌اید استفاده کرده و آنها را در بحرانی که با آن روبرو هستید به کار ببرید. و لذا تلاش انسانها به یاری خداوند محقق می‌شود.» ۹ پادشاه پاسخ او را ستود و از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند از انجام هر کاری بر خلاف احکام شریعت اجتناب کند؟» ۱۰ و او گفت: «اگر می‌دانید که این خداوند است که افکار را در دل نویسندگان شریعت قرار داده است تا جان مردم حفظ شود، از آنها پیروی خواهید کرد.» ۱۱ پادشاه پاسخ مرد را پذیرفت و به دیگری گفت: «فایده خویشاوندی چیست؟» ۱۲ و او پاسخ داد: «گر در نظر بگیریم که خود ما گرفتار مشکلات و مصیبت‌هایی هستیم که بر خویشاوندان ما تاثیر می‌گذارد چنانچه رنج آنها نیز بر خود ما تاثیر می‌گذارد؛ پس قوت خویشاوندی فوراً آشکار می‌شود، زیرا تنها زمانی یک چنین احساسی نشان داده می‌شود؛ که ما در نظر آنها دارای عزت و احترام باشیم. زیرا کمک، وقتی با محبت پیوند خورده باشد، به خودی خود پیوندی است که به کلی گسست ناپذیر است. و در روز سعادت آنها، ما نباید هوی و هوس اموال آنها را داشته باشیم، بلکه باید از خداوند بخواهیم که هر خیری را به آنها عطا کند.» ۱۳ و پادشاه مانند بقیه پس از ستایش از او پاسخ او، از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند از ترس رهایی یابد؟»

۱۴ و او گفت: «زمانی که ذهن آگاه باشد که هیچ بدی نکرده است، و هنگامی که بداند خداوند ذهن را به راههای درست و نیکو هدایت می‌کند.» ۱۵ پادشاه این پاسخ را مورد تأیید قرار داد و از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند همیشه قضاوت درستی داشته باشد؟» ۱۶ و او پاسخ داد: «گر او دائماً مصیبت‌هایی را که بر مردم می‌آید در برابر چشمان خود قرار دهد و بداند که این خداوند است که سعادت را از برخی می‌گیرد و برخی دیگر را به عزت و جلال بزرگ می‌رساند» ۱۷ پادشاه با مهربانی از مرد پذیرایی کرد و از نفر بعدی خواست که به این سؤال پاسخ دهد که «چگونه می‌تواند از یک زندگی راحت و لذت بخش اجتناب کند؟» ۱۸ و او پاسخ داد: «اگر دائماً به یاد آورد که او فرمانروای یک امپراتوری بزرگ و ارباب بسیاری از مردم است و فکر او نباید مشغول چیزهای دیگر باشد، بلکه باید همیشه در نظر داشته باشد که چگونه می‌تواند به بهترین نحو رفاه آنها را ارتقاء دهد. و همچنین باید به حضور خداوند دعا کند تا از هیچ وظیفه‌ای غافل نشود.» ۱۹ پادشاه پس از ستایش پاسخ او، از دهمین نفر پرسید که «چگونه می‌تواند کسانی را که به او خیانت می‌کنند، بشناسد؟»

۲۰ و او به این سؤال چنین پاسخ داد: «باید توجه کند که آیا رفتار کسانی که در ارتباط با او هستند طبیعی است و آیا آنها در پذیرایی‌ها و مجالس و در ضیافتها و در معاشرت

عمومی خود قاعده تقدم را رعایت می‌کنند، و هرگز در تبریک گفتن یا در سایر موارد اخلاقی از مرزهای شایستگی فراتر نمی‌روند. اما خداوند ذهن شما را، ای پادشاه، به هر آنچه شریف و درست است متمایل خواهد کرد.» ۲۱ هنگامی که پادشاه تأیید خود را با صدای بلند اعلام کرد و پس از اینکه همه آنها را به صورت جداگانه مورد ستایش قرار داد آنها در میان تمجید همه حاضران، به لذت بردن از جشن روی آوردند. ۲۲ و روز بعد، هنگامی که فرصت فراهم شد، پادشاه از مرد بعدی پرسید، «بدترین نوع غفلت چیست؟» ۲۳ و او پاسخ داد: «اگر مردی به فرزندان خود اهمیت ندهد و تمام تلاش خود را صرف آموزش آنها نکند. زیرا ما همیشه در حضور خداوند نه برای خودمان، بلکه برای فرزندانمان دعا می‌کنیم که هر نعمتی از آن آنها باشد. آرزوی ما برای داشتن خویشتن داری در مورد فرزندانمان تنها با قدرت خدا محقق می‌شود.» ۲۴ پادشاه گفت که او به نیکویی سخن گفته است و سپس از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند میهن پرست باشد؟» ۲۵ او پاسخ داد: «با توجه به این فکر که زندگی و مردن در کشور خود خوب است. اما اقامت در خارج از کشور موجب تحقیر فقرا و شرمساری برای ثروتمندان می‌شود که گویی به دلیل جرمی تبعید شده‌اند. اگر به همگان منفعت برسانی، چنان که پیوسته انجام می‌دهی، خداوند به تو عنایت خواهد کرد و وطن پرست خواهی بود.»

۲۶ پس از شنیدن سخنان این مرد، پادشاه به ترتیب از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند با همسرش دوستانه زندگی کند؟» ۲۷ و او پاسخ داد: «با تشخیص این که نوع زنان ذاتاً در تعقیب امیال خود سرسخت و پُر انرژي هستند و از طریق استدلال نادرست در معرض تغییرات ناگهانی عقیده هستند و ماهیت آنها اساساً ضعیف است. باید با آنها عاقلانه برخورد کرد و به اختلاف نیفتاد. برای موفقیت آمیز بودن زندگی، سکان دار زندگی باید هدفی را که مسیر خود را به سوی آن هدایت می‌کند، کاملاً بداند. تنها با فرا خواندن یاری خداوند است که انسانها می‌توانند مسیر واقعی زندگی را در همه حال هدایت کنند.» ۲۸ پادشاه موافقت خود را ابراز کرد و از نفر بعدی پرسید که «چگونه می‌تواند از خطا رهایی یابد؟» ۲۹ و او پاسخ داد: «اگر همیشه با تأمل عمل کنید و هرگز اعتباری برای تهمت‌ها قائل نشوید، بلکه آنچه را که به شما گفته می‌شود برای خود ثابت کنید و قضاوت خود را بر این اساس در مورد درخواست‌هایی که از شما می‌شود قرار دهید و همه چیز را در نور انجام دهید. آنگاه ای پادشاه، در قضاوت خود، از خطا آزاد خواهی بود. اما علم و عمل به این گونه چیزها، فقط کار قدرت الهی است.» ۳۰ پادشاه از این سخنان خوشحال شد و از دیگری پرسید که «چگونه می‌توان از خشم رهایی یافت؟»

۳۱ و او در پاسخ به این سؤال گفت: «اگر شخص بداند که بر همه قدرت دارد حتی می‌تواند آنها را به دست مرگ بسپارد، اگر به غضب و خشم اجازه عمل می‌داد، بی فایده و رقت انگیز بود. چنانچه فقط به این دلیل که او صاحب و آقای همه است، بسیاری را از زندگی محروم می‌کرد. ۳۲ چه نیازی به غضب است، در حالی که همه انسانها مطیع باشند و کسی با وی دشمنی نداشته باشد؟ لازم است بدانیم که خداوند بر همه جهان با روح محبت و بدون خشم حکومت می‌کند و تو ای پادشاه، ناگزیر باید از نمونه او سرمشق گرفته و عمل کنید.» ۳۳ پادشاه گفت که او به خوبی پاسخ داده است و سپس از مرد بعدی پرسید که «مشاوره خوب چیست؟» ۳۴ او توضیح داد: «در همه زمانها و با تأمل و صبر لازم، خوب عمل کنیم، با مقایسه آنچه برای سیاست خودمان سودمند است با تأثیرات زیانباری که از اتخاذ دیدگاه مخالف حاصل می‌شود، تا با سنجیدن هر نکته بتوانیم به خوبی توصیه کنیم چنانچه محقق شدن هدف ما را ممکن سازد. و مهمتر از همه این است که به قوت خداوند هر تدبیر شما محقق خواهد شد زیرا تقوا دارید.» ۳۵ پادشاه گفت که این مرد خوب جواب داده است و از دیگری پرسید: «فلسفه چیست؟» ۳۶ و او توضیح داد: «در مورد هر سؤالی که پیش می‌آید خوب تعمق کنید و هرگز تحت تأثیر انگیزه‌ها قرار نگیرید، بلکه در آسیب‌های ناشی از هوس‌ها تأمل کنید و مطابق شرایط به درستی عمل کرده و میانه روی کنید. اما ما باید از خدا بخواهیم که توجه به این چیزها را در ذهن ما القا کند.» ۳۷ پادشاه رضایت خود را اعلام کرد و از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند در سفر به خارج از کشور مورد شناسایی و احترام قرار گیرد؟»

۳۸ او پاسخ داد: «با انصاف نسبت به همه مردم، و به جای اینکه برتر از کسانی باشید که در میانشان سفر می‌کنید، پست‌تر به نظر برسید. زیرا این یک اصل شناخته شده است که خداوند ذاتاً فروتنان را می‌پذیرد. و نوع بشر کسانی را دوست دارد که مایلند مطیع آنها باشند.» ۳۹ پادشاه پس از ابراز رضایت از این پاسخ، از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند به گونه‌ای بسازد که بناهای او پس از او نیز دوام بیاورد؟» ۴۰ و او به این سؤال پاسخ داد: «اگر چنانچه ساختار او در مقیاس بزرگ و به شکلی خاص و زیبا ساخته شود، به طوری که بینندگان به خاطر زیبایی آن از دیدن آنها چشم پوشی نکنند، و اگر هیچ یک از کسانی را که چنین کارهایی را انجام می‌دهند از کار برکنار نکند و هرگز دیگران را وادار به خدمت و رفع نیازهای خود بدون دستمزد نکند. ۴۱ چگونگی عنایت خداوند به نسل بشر را مشاهده کند، و اعطای سلامتی و ظرفیت ذهنی و فراهم کنندگی نیازهای مردم و همه هدایای دیگر را از طرف خداوند مورد نظر قرار دهد. و خود او باید از خداوند الگو بگیرد و به مردم پاداش زحمات طاقت فرسای

ایشان را بدهد. زیرا اعمالی که در عدالت انجام می‌شود پیوسته ماندگار خواهد بود.»
 ۴۲ پادشاه گفت که این مرد نیز به خوبی پاسخ داده است و از دهمین نفر پرسید:
 «ثمره حکمت چیست؟» ۴۳ و او پاسخ داد: «تا انسان در خود آگاه باشد که هیچ
 بدی نکند و زندگی خود را در راستی بگذراند. ای پادشاه توانا، زیرا از اینهاست که اگر
 در قلمرو خود با تقوا حکومت کنید، بیشترین شادی و استواری روح و ایمان قوی به
 خدا نصیب شما می‌شود.» ۴۴ هنگامی که آنها پاسخ را شنیدند، همه با صدای بلند
 فریاد تحسین سر دادند و پس از آن پادشاه در کمال شادی و به سلامتی آنها شروع
 به نوشیدن کرد. ۴۵ و فردای آن روز، ضیافت مانند موارد قبلی بود، و هنگامی که
 فرصت پیش آمد، پادشاه از مهمانان باقیمانده سؤال کرد و به اولی گفت: «چگونه یک
 انسان می‌تواند خود را از غرور باز دارد؟» ۴۶ و او پاسخ داد: «اگر مساوات را حفظ کند
 و در همه موارد به یاد آورد که او مردی است که بر مردم حکومت می‌کند. و خداوند
 متکبران را باطل می‌سازد و شخص حلیم و فروتن را برتری می‌بخشد!»

۴۷ پادشاه با محبت تمام با او گفتگو کرد و از نفر بعدی پرسید که «چه کسی را باید
 به عنوان مشاور خود انتخاب کند؟» ۴۸ و او پاسخ داد: «کسانی را که در بسیاری از
 امور آزمایش شده‌اند و نسبت به او حُسن نیت بی نظیر دارند و در خلق و خوی او
 سهیم هستند. و خداوند خود را به آنانی که شایسته هستند نشان می‌دهد تا به این
 مقاصد دست یابند.» ۴۹ پادشاه پاسخ او را ستود و از دیگری پرسید: «ضروری‌ترین
 دارایی برای پادشاه چیست؟» ۵۰ او پاسخ داد: «دوستی و محبت رعایای خود، زیرا از
 این طریق است که پیوند بر اساس نیکویی ناگسستنی می‌شود. و این خداوند است
 که تضمین می‌کند که این امر مطابق میل شما تحقق یابد.» ۵۱ پادشاه او را مورد
 تحسین قرار داد و از دیگری پرسید که «هدف از گفتار چیست؟» و او پاسخ داد: «برای
 متقاعد کردن حریف خود با نشان دادن اشتباهات او در یک رشته منظم و هدفمند
 از استدلال‌ها. ۵۲ زیرا به این ترتیب شنونده خود را در تحت اختیار خود در خواهید
 آورد، نه با مخالفت با او، بلکه با ستایش او برای متقاعد کردن او. و به قدرت خداوند
 است که رضایت خاطر محقق می‌شود.» ۵۳ پادشاه گفت که او پاسخ خوبی داده
 است و از دیگری پرسید که «چگونه می‌تواند با بسیاری از نژادهای مختلف که جمعیت
 پادشاهی او را تشکیل می‌دهند، دوستانه زندگی کند؟» ۵۴ او پاسخ داد: «با عمل
 به سهم مناسب نسبت به هر یک، و عدالت را به عنوان سر لوحه راهنمای خود قرار
 دادن، همانطور که اکنون با کمک بینشی که خداوند به شما عطا کرده است، انجام
 می‌دهید.»

۵۵ پادشاه از این پاسخ خوشحال شد و از دیگری پرسید: «در چه شرایطی انسان باید غمگین شود؟» ۵۶ او پاسخ داد: «در مصیبت‌هایی که بر سر دوستان ما می‌آید، بخصوص وقتی می‌بینیم که طولانی و غیر قابل جبران هستند». عقل به ما اجازه نمی‌دهد برای کسانی که مرده‌اند و از شر‌هایی یافته‌اند اندوهگین شویم، اما همه مردم برای آنها غمگین هستند زیرا آنها فقط به فکر خود و منافع خود هستند. تنها با قدرت خداوند است که می‌توانیم از همه بدی‌ها فرار کنیم!» ۵۷ پادشاه گفت که پاسخ مناسبی داده است و از دیگری پرسید که «چگونه آبروی شخص از بین می‌رود؟» ۵۸ و او پاسخ داد: «وقتی شخص تحت تأثیر غرور و اعتماد به نفس نامحدود قرار می‌گیرد، آنگاه بی‌حرمتی و از دست دادن شهرت ایجاد می‌شود. زیرا خداوند صاحب همه آبروهاست و هر جا که بخواهد آنرا عطا می‌کند.» ۵۹ پادشاه پاسخ او را مورد تأیید قرار داد و از شخص بعدی پرسید که «مردم باید خود را به چه کسی بسپارند؟» ۶۰ او پاسخ داد: «به کسانی که از روی حُسن نیت به شما خدمت می‌کنند، نه از روی ترس یا منفعت شخصی و نه اینکه فقط به فکر منافع خود هستند. زیرا یکی نشانه محبت است و دیگری نشانه بدخواهی و وقت‌گذرانی. ۶۱ زیرا کسی که همیشه مراقب و به فکر منافع خود است، قلباً خائن است. اما شما با توصیه‌هایی که خداوند به شما می‌کند محبت همه رعایای خود را دارید.» ۶۲ پادشاه گفت که او حکیمانه پاسخ داده است و از دیگری پرسید: «چه چیزی است که پادشاهی را محفوظ می‌دارد؟»

۶۳ و او به این سؤال چنین پاسخ داد: «دقت داشته و بخوبی بیندیشید تا کسانی که در مقام اقتدار بر مردم قرار می‌گیرند، مرتکب هیچ بدی نشوند، و این کار را همیشه به یاری خداوند انجام دهید که الهام بخش شما در قضاوت باشد.» ۶۴ پادشاه سخنان دلگرم‌کننده و تشویق‌آمیزی به او گفت و از دیگری پرسید: «چه چیزی است که سبب شکرگزاری شده و افتخار را حفظ می‌کند؟» ۶۵ و او در جواب گفت: «فضیلت، زیرا که خالق اعمال نیک است و بدی‌ها را از بین می‌برد، چنانکه شما با موهبتی که خداوند به شما عطا کرده است، نسبت به همگان فضیلت نشان می‌دهید.»

۶۶ پادشاه با محبت تمام، پاسخ او را تصدیق کرد و از یازدهمین نفر پرسید «چگونه هفتاد و دو نفر می‌توانند در زمان جنگ، آرامش روح و هماهنگی را حفظ کنند؟» ۶۷ و او پاسخ داد: «با یادآوری این که او به هیچ یک از رعایای خود بدی نکرده است و همه برای او در ازای منفعی که دریافت کرده‌اند می‌جنگند، زیرا می‌دانند که حتی اگر جان خود را از دست بدهند، شما به آنها توجه خواهید کرد. و نسبت به کسانی که به آنها وابسته هستند هرگز در جبران خسارت کوتاهی نمی‌کنید، این همان محبتی

است که خداوند به شما الهام کرده است.» ۶۸ پادشاه با صدای بلند همه را تشویق کرد و با مهربانی با آنها صحبت کرد و سپس برای سلامتی هر یک از آنها به مقدار زیاد نوشید، چنانچه در خوشی کامل بسر می‌برد؛ و همچنین سخاوتمندانه‌ترین و شادترین دوستی را برای مهمانان خود به ارمغان آورد.

۱۰

۱ در روز هفتم تدارکات بسیار گسترده‌تری در نظر گرفته شد و بسیاری دیگر از شهرهای مختلف حضور داشتند که در میان آنها تعداد زیادی از سفرا نیز به چشم می‌خوردند. ۲ وقتی فرصتی پیش آمد، پادشاه از اولین کسانی که هنوز از آنها سوالی نشده بودند پرسید که «چگونه می‌تواند فریب استدلال غلط را نخورد؟» ۳ و او پاسخ داد: «با توجه دقیق به گوینده، مطلب گفته شده و موضوع مورد بحث، و با طرح مجدد همان سؤالات پس از یک فاصله زمانی به اشکال مختلف. اما داشتن ذهن هوشیار و قادر بودن به قضاوت صحیح در هر موردی یکی از موهبت‌های خوب خداوند است و شما ای پادشاه، دارای این موهبت الهی هستید.» ۴ پادشاه با صدای بلند پاسخ دهنده را تشویق کرد و از دیگری پرسید: «چرا اکثریت مردم هرگز نیکوکار نمی‌شوند؟»

۵ او پاسخ داد: «زیرا همه انسانها ذاتاً به نیکویی بی اعتنا هستند و به لذت تمایل دارند. از این رو، بی عدالتی سرچشمه می‌گیرد و سیل بخل و حسد جاری می‌شود. عادت به فضیلت، مانعی است برای کسانی که وقف زندگی لذت بخش هستند، زیرا آنها را به ترجیح اعتدال و نیکی سفارش می‌کند. زیرا خداوند بر این چیزها مسلط است.» ۶ پادشاه گفت که خوب جواب داده و پرسید: «پادشاهان باید از چه اطاعت کنند؟» او گفت: «قوانین، تا با احکام عادلانه زندگی مردم را به درستی اداره کنند. همانطور که شما با رفتار نمودن در اطاعت از فرمان الهی، یادگاری جاودانه برای خود فراهم کردید.» ۷ پادشاه گفت که این مرد نیز خوب صحبت کرده است و از نفر بعدی پرسید که «چه کسی را به عنوان فرماندار تعیین کنیم؟» ۸ و او پاسخ داد: «همه کسانی که از شرارت نفرت دارند و از رفتار شما تقلید می‌کنند، و به درستی عمل کرده تا همیشه شهرت خود را حفظ کنند. او گفت که این همان کاری است که شما انجام می‌دهید ای پادشاه توانا، و این خداوند است که تاج عدالت را به شما بخشیده است.» ۹ پادشاه با صدای بلند پاسخ دهنده را تحسین کرد و سپس به شخص بعدی نگاه کرد و گفت: «چه کسی را باید به عنوان افسر نیروها تعیین کنیم؟»

۱۰ و او توضیح داد: «کسانی که در شجاعت و عدالت برتری دارند و کسانی که بیشتر نگران حفظ جان و امنیت افراد خود هستند تا اینکه با به خطر انداختن جان خود از طریق عجولانه به پیروزی دست یابند. زیرا همانگونه که خداوند نسبت به همه مردم نیکوکار است، شما نیز به تقلید از او خیرخواه همه رعایای خود هستید.» ۱۱ پادشاه گفت که جواب خوبی داده است و از دیگری پرسید که «چه کسی شایسته تحسین است؟» ۱۲ و او پاسخ داد: «مردی که دارای شهرت و ثروت و قدرت است و دارای روحی برابر با همه است. خود شما با اعمال خودتان نشان می‌دهید که به کمک خداوند، به تمامی این چیزها اهمیت می‌دهید، لذا بسیار شایسته تحسین و ارزشمند هستید. ۱۳ پادشاه رضایت خود را از این پاسخ ابراز کرد و به دیگری گفت: «پادشاهان باید بیشتر وقت خود را به چه اموری اختصاص دهند؟» ۱۴ و او پاسخ داد: «به خواندن و مطالعه سوابق سفرهای رسمی، که در اشاره به پادشاهی‌های مختلف، به منظور اصلاح و حفظ موضوعات نوشته شده است. و با چنین فعالیتی است که به کمک خداوندی که تمام خواسته‌های شما را برآورده می‌کند، به همین دلیل به جلال و شکوهی رسیده‌اید که هرگز دیگران حتی به آن نزدیک هم نشده‌اند.» ۱۵ پادشاه با شور و شوق با مرد صحبت کرد و از دیگری پرسید که «انسان باید در ساعات استراحت و تفریح خود به چه چیزهایی و چگونه مشغول باشد؟»

۱۶ و او پاسخ داد: «دیدن آن نمایش‌هایی که می‌توان به درستی در زندگی اجرا کرد و صحنه‌هایی را که از زندگی واقعی گرفته شده و با وقار و نجابت اجرا می‌شود، و چنانچه در مقابل چشمان شخص گذاشته شود، سودمند و مناسب است. ۱۷ زیرا حتی در این سرگرمی‌ها سرفرازی نیز یافت می‌شود، زیرا غالباً برخی از درس‌های مطلوب از بی‌اهمیت‌ترین امور زندگی برداشت می‌شوند. اما شما با رعایت نهایت شایستگی در تمام اعمال خود نشان داده‌اید که اندیشمند هستید و به سبب فضیلت خود، در نزد خداوند مفتخر شده‌اید.» ۱۸ پادشاه که از سخنانی که هم اینک گفته شد خرسند بود، به شخص نهم گفت، «چگونه باید در ضیافت‌ها رفتار کند؟» ۱۹ و او در جواب گفت: «باید اهل علم و کسانی را که می‌توانند نکات مفیدی را در مورد امور پادشاهی و زندگی رعایای شما به شما ارائه بدهند، به سوی خود فرا خوانید زیرا هیچ موضوعی مناسب‌تر و آموزنده‌تر از این نیست که بتوان پیدا کرد. زیرا چنین مردانی نزد خداوند عزیز هستند، زیرا ذهن خود را برای تعمق در عالی‌ترین موضوعات تربیت کرده‌اند؛ همانطور که شما واقعاً به همان شکل انجام می‌دهید، زیرا تمام اعمال شما توسط خداوند هدایت می‌شود.» ۲۰ پادشاه با خوشحالی از پاسخ، از نفر بعدی پرسید: «چه چیزی برای مردم بهتر است؟ اینکه یک شهروند معمولی باید پادشاه آنها شود یا یکی

از اعضای خانواده سلطنتی؟»

۲۱ و او پاسخ داد: «کسی که ذاتاً بهترین است. زیرا پادشاهانی که از تبار سلطنتی می‌آیند، اغلب نسبت به رعایای خود خشن و سختگیر هستند. و باز هم این امر در مورد برخی از افراد برخاسته از صفوف شهروندان عادی نیز صادق است که پس از تجربه شرارت و تحمل فقر در گذشته، هنگامی که بر اکثریت حکومت می‌کنند، ظالم‌تر از ظالمان بی‌خدا می‌شوند. ۲۲ اما، همانطور که گفتم، طبیعت خوبی که به درستی تربیت شده باشد، می‌تواند به درستی حکومت کند، و شما پادشاه بزرگی هستید، نه به این دلیل که در شکوه حکومت و ثروت خود برتری دارید، بلکه به این دلیل که از همه چیز پیشی گرفته‌اید. مردی برجسته در بخشندگی و نیکوکاری، سپاس خداوندی را که به شما این صفات عالی را ارزانی داشته است.» ۲۳ پادشاه مدتی را صرف ستودن و تحسین این شخص کرد و سپس از آخرین نفر پرسید: «بزرگترین دستاورد در حکومت یک امپراتوری چیست؟» ۲۴ و او در پاسخ گفت: «این که رعایا پیوسته در حالت صلح و صفا زندگی کنند، و عدالت باید به سرعت در موارد اختلاف اجرا شود. ۲۵ این نتایج از طریق نفوذ حاکم به دست می‌آید، زمانی که او مردی باشد که از بدی‌ها کراهت داشته و نیکی‌ها را دوست بدارد و نیروی خود را صرف نجات جان انسانها کند، همانطور که شما بی‌عدالتی را، بدترین شکل شر می‌دانید و با مدیریت عادلانه خود برای خود شهرتی دائمی کسب کرده‌اید؛ زیرا خداوند ذهنی پاک و بی‌آلایش به شما عطا کرده است.»

۲۶ و هنگامی که او از پاسخ دادن فارغ شد، تشویق بلند و شادی آوری برای مدتی قابل توجه از جمعیت بلند شد. هنگامی که صدای تشویق به پایان رسید، پادشاه جامی برداشت و به احترام همه مهمانان خود و سخنانی که آنها گفته بودند به سلامتی همه آنها نوشید. ۲۷ سپس در پایان گفت: «من از حضور شما بیشترین بهره و سود را برده‌ام. من از سخنان حکیمانه شما که در رابطه با هنر حکمرانی کردن به من ارائه داده‌اید، بسیار بهره‌مند شدم. ۲۸ سپس دستور داد که به هر یک از آنها سه قنطار نقره تقدیم کنند و یکی از غلامان خود را مامور تحویل این هدایا کرد. ۲۹ همه به یکباره و با صدای بلند فریاد زده و این کار پادشاه را مورد تایید قرار دادند چنانچه ضیافت صحنه شادی شد، در حالی که خود پادشاه نیز به ادامه جشن پیوست.



۱ فیلوکراتس، بسیار مفصل نوشته‌ام و باید از تو پوزش خواسته و طلب عفو کنم. ۲ من از مردان و روشی که در آن لحظه و به سرعت پاسخ‌هایی می‌دادند که واقعاً به زمان زیادی نیاز داشت، شگفت زده شدم. ۳ زیرا گرچه پرسش کننده در مورد هر سؤال خاصی فکر کرده بود، اما کسانی که یکی پس از دیگری پاسخ می‌دادند بلافاصله پاسخ سؤالات را آماده می‌کردند و بنابراین به نظر من و همه حاضران و به ویژه اندیشمندان و خردمندان مورد تحسین قرار گرفته و شایسته به نظر می‌آمدند. ۴ و گمان می‌کنم که این موضوع برای کسانی که روایت من را در آینده خواهند خواند باور نکردنی به نظر خواهد رسید. ۵ اما ارائه نادرست حقایقی که در بایگانی‌های اسناد عمومی ثبت می‌شوند، کار ناپسندی است. ۶ و برای من درست نیست که در چنین موضوعاتی از حد تجاوز کنم. من داستان را همانطور که اتفاق افتاده است شرح داده و صادقانه سعی می‌کنم تا از هرگونه خطایی اجتناب کنم. ۷ من آنقدر تحت تأثیر سخنان آنها قرار گرفتم که سعی کردم با کسانی مشورت کنم که کارشان ثبت وقایع بود تا بتوانم تمام اتفاقاتی را که در بین حضار و ضیافت‌های سلطنتی رخ می‌دهد را ثبت کنم.

۸ زیرا همانطور که می‌دانید، رسم این است که از لحظه‌ای که پادشاه امور حکومت بر مملکت را آغاز می‌کند تا زمانی که برای استراحت بازنشسته می‌شود، تمام سخنان و کارهای او به عالی‌ترین و مفیدترین شکل ممکن و با ترتیب درست ثبت شود. ۹ زیرا در روز بعد صورتجلسه اعمال و سخنان روز قبل، پیش از شروع کار خوانده می‌شود و اگر چیزی نادرست باشد، موضوع فوراً اصلاح و درست می‌شود. ۱۰ بنابراین، همانطور که گفته شد، اطلاعات دقیقی از سوابق عمومی به دست آوردم، و حقایق را به ترتیب مناسب بیان کردم، زیرا می‌دانم که شما چقدر مشتاق به دست آوردن اطلاعات مفید هستید. ۱۱ سه روز بعد دیمیتریوس مردان را برد و از کنار ساحل دریا به طول هفت استادیوم (حدود ۱۳۰۰ متر) به طرف جزیره رفت، از پل گذشت و به سمت نواحی شمالی فاروس حرکت کرد. ۱۲ در آنجا ایشان را در خانه‌ای که در کنار ساحل دریا ساخته شده بود، و بسیار زیبا و در موقعیت خلوتی قرار گرفته بود گرد آورد، و از آنها دعوت کرد که کار ترجمه را انجام دهند، زیرا هر آنچه برای این منظور نیاز داشتند در آنجا و در دسترس آنها قرار داده شده بود. ۱۳ پس آنها دست به کار شدند تا نتیجه چندین کار خود را با هم مقایسه کنند و برای نسخه نهایی به توافق برسند، و هر آنچه را که توافق کردند به طور مناسب تحت هدایت دیمیتریوس نسخه برداری شد.

۱۴ و جلسه تا ساعت نهم ادامه یافت. پس از آن از کار دست کشیدند تا نیازهای بدنی خود را رفع کنند. ۱۵ هر چه می‌خواستند برای ایشان در مقیاس فراوان تجهیز شده بود. علاوه بر این، دوروتئوس هر روز همان تدارکاتی را برای آنها انجام می‌داد که برای خود پادشاه آماده می‌شد؛ زیرا پادشاه این چنین و به این ترتیب به او دستور داده بود. ۱۶ در صبح زود هر روز در صحن حاضر می‌شدند و پس از سلام کردن به پادشاه به محل خود باز می‌گشتند. ۱۷ و طبق رسم همه یهودیان، دستهای خود را در دریا می‌شستند و به حضور خداوند دعا می‌کردند و سپس خود را وقف خواندن و ترجمه قسمت خاصی می‌کردند که در آن مشغول بودند، و من از آنها سؤال کردم که چرا قبل از دعا دستهای خود را می‌شویند؟ ۱۸ و آنها توضیح دادند که چنین کاری نشانه این است که هیچ بدی نکرده‌اند، زیرا هر نوع فعالیتی به وسیله دست انجام می‌شود؛ و در باور مقدس و پاک خود، هر چیزی را به عنوان نماد عدالت و راستی مورد توجه قرار می‌دهند.

۱۹ همانطور که قبلاً گفتم، آنها هر روز در مکانی که به دلیل سکوت و روشنایی و نور کافی آن لذت بخش بود، گرد هم می‌آمدند و به کار خود مشغول می‌شدند. ۲۰ و بسیار اتفاقی بود که کار ترجمه در هفتاد و دو روز به پایان رسید، درست مثل اینکه این کار برای هدف مشخصی ترتیب داده شده بود. ۲۱ هنگامی که کار به پایان رسید، دیمیتریوس جمعیت یهودی را در محلی که ترجمه انجام شده بود جمع کرد و آن را در حضور مترجمان برای همگان خواند که با استقبال بسیار مردم نیز مواجه شد، به دلیل اینکه بواسطه کار آنها، فواید بزرگی به مردم عطا کرده بودند. ۲۲ و دیمیتریوس را نیز به گرمی ستودند و از او خواستند که کل شریعت را رونویسی کند و نسخه‌ای از آن را به رهبران‌شان ارائه دهد.

۲۳ پس از خواندن کتابها، کاهنان و بزرگان مترجم‌ها و جامعه یهود و رهبران قوم برخاستند و گفتند از آنجایی که یک ترجمه بسیار عالی و مقدس و دقیقی انجام شده است، درست است که همان طور که بوده باقی بماند و هیچ تغییری در آن ایجاد نشود. ۲۴ و هنگامی که تمام گروه موافقت خود را اعلام کردند، به آنها دستور دادند که طبق عرف خود لعنت بفرستند بر هر کسی که تغییری در آن ایجاد کند یا با افزودن چیزی یا با تغییر هر یک از کلماتی که نوشته شده بود یا اینکه هر گونه حذفی در آن انجام دهد. ۲۵ این یک اقدام احتیاطی بسیار عاقلانه بود تا اطمینان حاصل شود که کتاب تا حد امکان برای تمام زمانهای آینده بدون تغییر حفظ شود.

۲۶ وقتی موضوع به پادشاه گزارش شد، بسیار خوشحال شد، زیرا احساس می‌کرد که برنامه‌ای را که او طراحی کرده بود، به سلامت اجرا شده است. ۲۷ تمام کتاب برای او خوانده شد و از روح شریعت بسیار متحیر شد. ۲۸ و او به دیمیتریوس گفت: «چگونه است که اثر هیچ یک از مورخان یا شاعران هرگز به یک چنین ارزش و به یک چنین دستاورد شگفت‌انگیزی نرسیده است؟» ۲۹ و او پاسخ داد: «زیرا شریعت مقدس و منشأ الهی دارد. و برخی از کسانی که قصد پرداختن به آن را داشتند مورد خشم و عذاب خداوند قرار گرفته‌اند و لذا از هدف خود منصرف شده‌اند. ۳۰ او گفت که از تئوپومپوس شنیده بود که بیش از سی روز حافظه خود را از دست داده بود زیرا قصد داشت برخی از وقایع ترجمه‌های قبلی و تا حدی غیر قابل اعتماد شریعت را در تاریخ خود وارد کند. ۳۱ و چون اندکی بهبود یافت، از خدا خواست که دلیل آن مصیبت را برایش روشن کند.

۳۲ و در خواب به او آشکار شد که از روی کنجاوی بیهوده می‌خواهد حقایق مقدس را به مردم عادی منتقل کند و اگر از این کار دست بردارد سلامتی خود را باز خواهد یافت. ۳۳ من نیز از زبان تئودکس، یکی از شاعرانی که مطالب جدی و مضحک را در هم می‌آمیزد، شنیده‌ام که وقتی می‌خواست برخی از وقایع ثبت شده در کتاب شریعت را برای یکی از نمایشنامه‌های خودش اقتباس کند، هر دو چشمش دچار آب مروارید شدند. ۳۴ و چون علت این مصیبت را متوجه شد، روزها به حضور خداوند دعا کرد و پس از آن بهبود یافت. ۳۵ و پس از اینکه پادشاه، همانطور که قبلاً گفتم، توضیحات دیمیتریوس را در این مورد دریافت کرد، ادای احترام کرد و دستور داد که از کتابها بسیار مراقبت شود و از آنها به طور مقدس محافظت شود.

۳۶ و او از مترجم‌ها خواست که پس از بازگشت به یهودیه مکرراً به ملاقات او بیایند، زیرا او گفت که اکنون وقت آن فرا رسیده است که آنها را به خانه بفرستد. ۳۷ اما هنگامی که آنها می‌خواستند باز گردند، با آنها مانند دوستان خود رفتار کرد چنانچه کار درست نیز همین بود و آنها هدایای گرانبهایی از پادشاه دریافت کردند. ۳۸ پادشاه دستور داد تا مقدمات بازگشت آنها به خانه فراهم شود و با آنها بسیار با ملامت و با محبت رفتار کرد. ۳۹ و به هر یک از آنها سه جامه از مرغوب‌ترین نوع، دو قنطار طلا، یک میز کوچک کار به وزن یک قنطار، و تمام اثاثیه خانه که در سه تخت قرار گرفته بود به آنها تقدیم کرد. ۴۰ و پادشاه همراه با آنها، ده تخت با پایه‌های نقره‌ای و تمام وسایل لازم، یک میزکنار دیوار به ارزش سی قنطار، ده جامه ارغوانی، و یک تاج با شکوه، و صد تکه از بهترین پارچه‌های کتانی و کاسه‌ها و ظروف و دو لیوان طلایی نیز

برای تقدیم به خدا ارسال کرد.

۴۱ پادشاه همچنین در نامه‌ای از کاهن اعظم خواست که اگر یکی از مردان ترجیح می‌دهد نزد او برگردد، مانع آنها نشود. ۴۲ زیرا او لذت بردن از جامعه چنین مردان اندیشمندی را یک امتیاز بزرگ می‌شمرد و ترجیح می‌دهد که دارایی خود را برای آنها هدر دهد تا برای چیزهای بیهوده و باطل. ۴۳ و اکنون فیلوکراتس، شما کل این روایت را مطابق با قولی که من داده بودم در اختیار خود دارید. ۴۴ من فکر می‌کنم که شما از این مسائل بیشتر از نوشته‌های اسطوره‌ای و افسانه لذت می‌برید. ۴۵ زیرا شما وقف مطالعه چیزهایی هستید که می‌تواند برای روح مفید باشد و زمان زیادی را صرف آن می‌کنید. من سعی خواهم کرد هر رویداد دیگری که ارزش ثبت کردن را داشته باشد، نقل کنم تا با مطالعه آنها بالاترین پاداش را برای غیرتی که برای این مجموعه داشتید بدست آورید.